

جبل المتین کلکته

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

کلیه امور اداره

یامدیر کل مؤید الاسلام است

منتظم اداره

آقا محمد جواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

سه شنبه توزیع میشود

تاریخ دوشنبه

(۲۸ - جمادی الثانی ۱۳۲۱)

روزنامه مقدس

جبل المتین

سنه ۱۳۱۱

قیمت اشتراك

(سالانه -- شش ماهه)

هند - و برمه

(۱۲ روپيه -- ۷ روپيه)

ایران - افغانستان

(۵۰ قران -- ۳۰ قران)

عثمانی - و مصر

(۵ مجیدی -- ۳ مجیدی)

اروپا - و چین

(۳۰ فرنك -- ۱۷ فرنك)



جناب میرزا محمود خان حکیم الملک وزیر دربار اعظم و حقه الله علیه

تکراف مخصوص

دشمن آتش برصت باد بیماریا بگو * خاک بر سر کن که آب دفته باز آمد بجو
تاریخ و صفت و پنجم جمادی الثانی دو ساعت از ظهر گذشت تکراف مخصوص از طهران بعنوان ذیل اداره رسید
جبل المتین - کلکته - تبریک میگویم عزله میرزا علی اسفرخان آتابک را

شرح زندگانی وزیر دربار اعظم

- § جناب میرزا محمود خان حکیم‌الملک وزیر دربار اعظم رئیس اطباء حضور هایون و وزیر کل بتانی و مسکوکات و والی مملکت گیلان از جمله وزراء و مقربان خاص حضور مبارک خسروانی و موفور دانش و کثرت دها و سلامت عقل و استقامت رای و صدق نیت معروف و مجرب آستان هایون بود
- § بعد از تحصیل و تکمیل زبان فارسی و عربی در سنه هزار و دویست و نود و سه (۱۲۹۳) هجری داخل مدرسه دواتی دارالسلطنه تبریز شده - پس از تحصیل مختصر مقدمات ریاضی و طبیعی و دادن امتحان - در رکاب مستطاب مبارک - بدارالخلافت باهره آمده برای تکمیل فنون متنوعه داخل مدرسه مبارکه دارالفنون گردید - و باجدی وافی تحصیل علوم ریاضی و جغرافی و زبان فرانسه و طبیعیات پرداخته - و تکمیل تمام شعبات طب و جراحی جدید را و حقه همت ساخته تا بعد از شش سال که علی‌الاتصال بعلوم عمل مشغول بود - فراغت حاصل نموده از اطباء حادق کامل بشمار آمد -
- § در سنه هزار و سیصد و دو (۱۳۰۲) با سرمایه وافی و پیرایه وافر از علم و حذاقت و شایستگی و لیاقت حساب‌الاحصاء مراجعت بدارالسلطنه تبریز نموده در سلك اطباء مخصوص حضور مبارک منسلک و سفرأ و حسراً و ایلاً و نهاراً با شرایط صداقت و درستکاری بوظایف جاگری و خدمتگذاری مشغول و مراقب گردیده روز بروز بین حسن خدمت و اقتضای علم و عقل و درایت در آستان جهان پناه بر پایه قربت و جاهش افزوده شد - و متدرجاً بمنصب و امتیازات عالیه نایل گردید
- § در سنه هزار و سیصد و هفت (۱۳۰۷) بمجایل و نشان درجه سرتیپی اول مرفراز آمد
- § در سال سیصد و هشت (۱۳۰۸) بمخطاب جلیل جنابی مخاطب شد
- § در سال هزار و سیصد و دوازده (۱۳۱۲) بلقب نبیل حکیم‌الملکی ماقب و مباهی گردید - بعد از جلوس بیعت مأموس هایونی از روی سراواری و اقتضای رای جهان آرای مبارک شهریارای برناست کل اطباء حضور هایونی منصوب و در جزء وزرای دارالشورای منسلک آمد
- § در سال هزار و سیصد و چهارده (۱۳۱۴) بوزارت ابنیه دواتی کل ممالک محروسه بر قرار و باعطای يك قطعه نشان عظیم‌الشان نخستین درجه نتمثال خورشید مثال هایونی که از امتیازات جلیله خاصه و مواهب عالیه مخصوصه خسروانی است نایل و سرماند گردید
- § در سال هزار و سیصد و شانزده (۱۳۱۶) بعهده وزارت مسکوکات دوات عالیه ایران نائل آمد
- § در سال هزار و سیصد و هنده - (۱۳۱۷) بلقب جلیل وزارت دربار اعظم مباهی و مفتخر شد
- § در همان سال به يك قبصه عصای مرصع از حواهر خانه خاصه مرفراز آمد - و بارها مورد عطایای ملوکانه و مظاهر مرام خسروانه از قبیل انگشتر بلریان و تن پوشهای مبارک واقع گردید
- § در سال هزار و سیصد و هیجده (۱۳۱۸) اولین مسافرت ملوکانه و هزار و سیصد و بیست (۱۳۲۰) دوهین سفر شاهانه فرنگستان ماترم رکاب هایونی بود - سفر اول شاهانه در شهر (ورسای) که یکی از انارکستها با طبایحه بر کالسه اعلیه حضرت اقدس هایونی حمله نمود - معطله حواشتن را فدائی بدشاه ساخته - دست قاتل را گرفته - طبایحه را اردوش روده - متی عظیم رحیم افراد مات شاه پرست ایران نهاد - و از آن بعد پیش از پیش مورد مرام ملوکانه گردید
- § وزیر دربار نظام داملانی بخیلان مکتوبه انانک ردد و در پشکده هایونی در حکم باطل السحر وی بود - انانک در سمیدوزر دربار اعظم از دربار هایونی همه گونه اقدام نموده - در هیچ مورد مضی المرام نگردید - تا عاقبت

دولت چین خواهش نموده (نیم) که واقع در صوبه (منچوریا) است پس از چند ماه خالی نماید و آنچه را که تاریخ آژ هشتم ماه اکتوبر مقرر شده چندی مانده است دارد. دولت امریکا درین ماده اعتراض نموده است.

دزدان عرب که حمله بر سیورسات قشون فرانس ۶ و ۸ شهر حال در (المنگر) نموده بودند ۵۰ شتر که فشنگ و تشک و (۱۵۰) شتر که حامل آذوقه بود غنیمت بردند.

(۲۱ جمادی الثانی - ۱۴ ستمبر)

امالی انگلستان و فرانس و استرلیا از رسیدن خبرهای موخش نسبت زیادتی قشون عثمانی در مقدونیا اظهار التهاب می نمایند.

مخبر (روتر) از یکن خبر میدهد که دولت ژاپون در خصوص شروط جدید روس در باره تحایه منچوریا سحت تر از سابق استادگی دارد. لذا سمیر ژاپون مقیم یکن دولت چین را در عدم قبول شرایط جدید روس متنبه ساخته است.

(۲۲ جمادی الثانی - ۱۵ ستمبر)

امارت بلغار رسماً در جواب دول بزرگ اروپا اظهار داشته که دولت عثمانی تمام قشون خود را طلب کرده است محض سرکونی بلوایشان - اهالی بلغار بدول اروپا استیناف می نمایند که دولت عثمانی را ارقال و زیادتی حلو بگیرند - چه اگر دول اروپا بوقت خود کار روانی نمایند - امارت بلغار مجبور خواهد شد به آنچه صلاح خود را بند عمل نماید.

اخبار (یوریمیا) می رسد رای میدهد که زیادتی و اجحاف قشون عثمانی را در هندونیا حلو گیرند و مقرر نمایند افسران روس و استرلیا در مقامیکه قشون عثمانی اجحاف و زیادتی نمایند.

استیلاف رسمی که امارت بلغار به دول اروپا در تاریخ ۱۳ شهر حال نموده بود در اسلامبول دیروز شایع شد - سفرای روس و استرلیا به باب عالی عرضیه داشته اعتراض نموده اند که زیادتیهای قشون عثمانی خصوصاً افواج

سه ماه پیش باسم آیالت ممالک گیلان از دربارش دور داشت و چنانچه مظنون عامه است عاقبتش مسموم ساخت § وزیر دربار اعظم علاوه بر حسن خدماتیکه در پیشگاه سلطنت عظمی جلوه و بروز داده بود نزد مات خصوصاً خدمت علای اعلام خوش نام و خوش عقیدت شناخته شده بود علاوه بر امتیازات جایله داخله از دول متحابه خارجه نیز دارای نشانهای ذیشان مختلف گردید.

بوم جمعه بیست و یکم جمادی الاول سنه (۱۳۲۱) قرب غروب - بیک حقرا اجابت گنت رحمة الله علیه رحمة واسمه هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بهشوق نیت است بر جریده عالم دوام او

تکرافات

(۱۹ جمادی الثانی - ۱۲ ستمبر)

ناظم پاشا سردار تازه قشون مندونیای عثمانی در مدارس نظامی آلمان تربیت یافته - و ماصول و قواعدیکه در جنوب افریقا (لارد راپوت) در حلو گیری بوژان معمول داشته عمل می نماید و بر دشمنان هم چیره شده این وضع را از قشون (باشی بزوق) معمول داشته و خاطر خواه معلوم شده است - در بین راه ها (بلاک هوس - حفاظت خانه) نیز تعمیر نموده است.

روتر حدس میزند که لشکریان عثمانی در شهرهای پییده آغاز به برحی کرده عیسویانرا بقتل رسانیده است (۲۰ جمادی الثانی - ۱۳ ستمبر)

وزارت بلغار در صوفیا فیصله نموده که اردوی مرکزی غیر اول و دوم قشون بلغار را در صوفیا و (فیلوپاس) تشکیل نمایند.

از ارامنه نزدیک کلیسای خود در شهر (الیزابنه) روس ازدحام نموده مانع از نقل اثاث کلیسا با داره حکومتی شده اند - پلیس مسلح برای تفرقه این جماعت آمده ارامنه آنها را سنگ باران نموده حگک شد بناچار پلیس نیز شلیک کرده هفت نفر را کشته و بیست و هفت نفر را مجروح ساخته است.

دولت آنازونی خبر یافته که امپراطور روس از

الباب فی که در (منامق) و (ادریابیل) کرده اند
جولوگیری نماید

(۲۳ جمادی الثانی - ۱۶ ستمبر)

§ شش اردوی مختصر امارت بلغار برای فرستادن در سرحد عثمانی طلب کرده عده آن قشون (۲۰۰۰۰) است

§ وقایع نگار استندرد از (ویانه) خبر میدهد که از علامت سیاسی جنان ظاهر میشود که دول اروپا خیال دارند متفقاً در (سلونیکا) قشونی از خود بگذارند

§ مظنون است که دولین استریا و روس رسماً امارت (بلغار) را متنبه و باز خواست کرده اند که در تشویق و رغبت باغیان مقدونیا و فسدین بلغار نکوشد.

در جواب اظهار داشته که (۲۰۰۰۰) قشونیکه طلب شده محض گرفتن کار پلیس از آنها و نگرانی سرحدات است § پرنس (فردینند) به صوفیا معاودت نمود

(۲۴ جمادی الثانی - ۱۷ ستمبر)

§ اخبار (دلی سکرانیکل) اطلاع یافته که دولت انگلیس بحض سفارش اهالی مقدونیا سفیر فوق العاده با خط مخصوص به اسلامبول خواهد فرستاد و حامل این سفارت و عرضداشت يك جهاز جنگی است

§ در اعتراض ارامنه (الیزابت) روس که تمام اثاث کلیسا را حکومت متصرف شده - نگذارد اغتشاش شود ارامنه در نقل اثاث کلیسا به جای دیگر بدوآ بدین راضی شدند که تمام اثاث کلیسا تحت نگرانی حکومت باشد - ولی در اجرای این حکم نیران بغاوت بالا گرفت خصوصاً در (باکو) - کارس - قلیس و الیزابته بول) که لشکر ن بناچار به بلوایشان شلیک نموده و بسیاری از ارمه‌ها کشته شدند

§ بین قشون همیشاژ و صربان جنگی در (عدن هینترلند) واقع شده از همیشاژ یککنفر کشته و چهار مجروح و از صربها (۷) کشته و (۱۴) زخمی گردیدند § افواه است که مستر جبرلین وزیر مستعمرات دولت انگلیس استعفا نمود - و بموجب خبر اخیره مستر ریچی

نیز استعفا پیش کرد - شاید لارد جارج همائن وزیر باشد هم استعفا داده باشد

§ چون اعلیحضرت پادشاه انگلستان ذو (بالمورل) است اعلان رسمی وزراء مستعفی بخدمت روز بمظنون خواهد انجامید

§ از خبر بعد ظاهر شد مستر جبرلین - و مستر ریچی - و لارد جارج همائن مستعفی شده اند (۲۵ جمادی الثانی - ۱۸ ستمبر)

§ اعلیحضرت ادورد هفتم پادشاه انگلستان استعفاي وزراء را منظور نمود

§ مظنون است که (مستر برادرک) موقتاً وزارت هند مقرر شود

§ والا حضرت خدیو مصر وارد اسلامبول و بحضور اعلیحضرت سلطان مشرف گردید

مکتوب از تبریز

۱۰ جمادی الاول سنه (۱۳۲۱)

مدیر محترم جبل‌المتین را زحمت فرض میدهد - چند هفته بود بواسطه نگرانی سختیکه از پاکت بنام اداره جبل‌المتین میشد جرئت صریضه نگاری نبود - برخی دشمنان معارف هم از من بد گمان شده نگران نوشته جاتم بودند - فافلند که حامل پاکت نامه مقدس دستهای غیبی است - نگارنده جز از در صدق سخن نراند و سوای واقعات و حادثات مشهوده چیزی نگارد - ولی چه توان کرد که سخن حق در دوره اتابک از قتل نفس بالا تراست

مهندسین روس چندبست مطابق امتیازیکه اتابک بروسها داده معقول تعمیرات اولیه راه شوسه از جلفا تا تبریز و از تبریز تا طهرانند - این راه باهم ترقی تجارت ساخته میشود - ولی مقصد اصلی و منشأ کلی سوق عسکر است - بیاید روزی که دولت بهوش آمده بداند که از تیشه اتابک خانه ملک و دولت یاب رسیده است

گویا زمینبرای برای تعمیر مدرسه هم اتابک دروغها

نوعی اقدام کند که ازین راه اهالی بفریاد و فغان نیایند
راقم (ع - و - ع - ح)

مکتوب از طهران

۲۶ جمادی الاول سنه ۱۳۰۹

جناب مؤید - مختصر می نویسم شما مطول بنخوانید
وضع خیلی تغییر کرده انقلاب در رجال دولت نمودار
است که از بعد عزل میرزا تقی خان اتابک تا امروز
عدیش دیده نشده - چون وضع این زمان تا آن زمان
باقضای ترقیات کون فرق حاصل کلی کرده میتوانم
گفت از صدسال تا کنون باین درجه انقلاب در رجال
دولت ایران نمودار نشده بود بچنان - . . . میرزا و
بسر مؤید الاسلام قسم است - اینک که نصف شب
و شش از دستة ایران گذشته از چهار طرف در ۱۵
را بسته در خلوت به نگارش این خط اشتهال مورزم
معدالک دستم از خوف می لرزد -

در خطوط اسبق نوشته بودم ایام بگیر بگیر گذشته
موسم برو برو رسیده است - چنانچه حقیقت نگار شام
پس از دو ماه يك يك بسمع عالی رسید - يك دفعه
کارها منتاب زمانه رنگ دیگر گرفته - بگیر بگیر و برو برو
به بکش بکش تبدیل یافت احدی را تاب نطق
کشیدن نیست هرچه دست صدر اعظم است - جعفر
بر مکی بدین اقتدار بود - امیرالامراهای ایران در
اواخر خلفای بنی العباس بدین عظمت نبودند - امیر
صدر اعظم است - وزیر صدر اعظم است - مشیر صدر
اعظم است - مشار صدر اعظم است - این (خان) ذات
اقدس ملوکانه را آله پیش رفت مقاصد خود قرار
داده - آنچه میخواهد میکند - و بدانچه مایل باشد طایقی
از برای خویش نمی بیند - امروز بجهت او در پیشگاه
سلطنت القای شبهه در کار نیست - فرمان عزل - نصب
قتل - ترد - تبعید - هرکس را میخواهد نوشته باهضا
میرساند همه رجال متحیراند که اگر چندی دیگر امر
بدین وضع عاید عاقبت کارها منتهی بکجا خواهد شد
پس از آنیکه نایب اقدس ملوکانه صدبارین را مطلق

حاجی دادم عیاً قریب مدرسه عالی حکه قابل تعلیم
بلصغیر طفل باشد از مصارف خاصه امپراطور روس در
تبریز افتتاح خواهد شد - شاگردان این مدرسه را
مجلس تعلیم خواهند داد - تعلیم منحصر بزبان روسی
خواهد بود - پس از فراغ تحصیل امپراطور روس در
خالک ایران هر يك از شاگردان را موافق لیاقت و قابلیت
خدمت و وظیفه خواهد بخشود - ای خاك بر سر ما
و غیرت و دیانت ما

... جناب مستطاب حاجی میرزا حسن آقا را برای بستن
يك دكان شراب فروشی بآن مذات و خواری بحکم اتابک
از تبریز بیرون کردند و بالغ بر صد و پنجاه نفر طلاب و مردمان
غیور دیندار را گرفته اردبیل و اماکن غیر معلومه
دیگر فرستادند - اینک دکاهای شراب فروشی مرین
آشکارا و مخفی متعدد بان شده است هر گاه وضع باین
قسم ماند ازین به بعد خیلی باز خواهد شد - چه طایع و
عایق اینگونه اعمال علایق رئیس علماء آذربایجان
که حاجی میرزا حسن آقا باشد به بدترین حالی اخراج
بلد شد - دیگر کرایای دم زدن و بطوق کشیدن است -
و اسفاه علی الاسلام

حاجی میرزا حسن آقا را نام خراسان اخراج
نمود - معلوم نیست چه شد و کجا رفت یقین است بوجه
نفوس مقدس علای اعلام انتقام این عالم مظلوم را از
لتابک بفرماند کشید

شهر تبریز ظاهراً امن است ولی اهالی مانند پانک
تیر خورده در خشم و قلباً از حرکات اتابک معشتر
الطاطر و ملول اند و اگر وضع باین قسم ماند عماً قریب بلوای
عظیمی پیش آید و کار منجر بخون ریزیهای بزرگ
شود (بالحکم اصلاح کل قلمد من امور المسلمین)

بموجب خطبکه امروز از اردبیل رسید سه نفر
از طلاب غیور با دیانت که نخبه فضلی آذربایجان بشمار
و در قهیه نجابی میرزا حسن آقا بحکم اتابک گرفتار
شده بودند در محبس اردبیل در غم و غم و غم افتاده اند -
تبریز از برای گرانست - ولی در حکومت ساعی است

الغان و مسئول قرارداد - کرا یارای سخن گفتن است
 میدانم خبر تأسف اثر و واقعه عبرت انگیز محسوس
 خبر عبرت ریز نگاه ملت بزور دولت پرست وطن
 دوست میرزا محمودخان حکیم‌الملک وزیر دربار اعظم را
 از تلگرافات بخارجه استمدواک نموده‌اید - يك ساعت از
 شب بیست و یکم جمادی‌الاول گذشته بود که تلگرافاً
 این خبر وحشت اثر بطهران رسید - همان شب گویانام
 طهران خبر شدند - روز بعد دربار مجاس خواموشان
 بود - از احدی صدا بیرون نمی‌آمد - نفس در سینه‌های
 رجال حبس شده بود - اولاً این سبک عبرت خیز و
 این مسلك وحشت انگیز رجال را معشوش و پریشان
 حال گردانیده - دیگر وزیر دربار اعظم بیست سال
 است در خلوت - جلوت - سفر - حضراً - در دستگاه
 سلطنت و رکاب همیونی بصدقات خدمت مکرده و
 اعلیحضرت شاهنشاهی را انیس و مونس و عمخوار بود -
 قلب مبارک پادشاه را يك مرتبه انابك بدین قسم از وی
 گرداندن و برشتن فرستادن امری بسیار عجیب بل از
 عجایب تاریخ این عصر ایران نگاشته خواهد شد
 حق این است انابك درین ماده دست جمیع جادو
 گرهای عالم را از پشت است - عجب کینه‌خواهی نمود -
 عجب داد خود را ز وزیر دربار اعظم گرفت - عجب
 ونك و جادویی بکار شاه زد - از آن روزیکه انابك
 وزیر دربار را بسزای ملت خواهی و دولت پرستی
 رسانید - میدان را برای پشرفت مقاصد خود حالی
 از اغیار یافت - امروز احدی از رجال را طلاق آنکه
 قدیمی برخلاف مرضی او بردارد بیست - چه بر جان
 میزد - همه عبرت از کینه خواهی صدر اعظم گرفتند -
 از سمیت انابك هیچ امر بعید نبود - چیزیکه مایه عبرت
 و تعجب است راضی ساختن قلب پادشاه در تبعید
 چنین نوکر صادق خیر خواهی که سالهای دراز ذات
 ملوکانه شخصاً او را امتحان و تجربه نموده بود
 وزیر دربار اعظم غایت درجه وطن خواه - شاه
 پرست - ملت نواز - ترقی جو - معارف پرور بود - از

زمانیکه در رکاب همیونی ولرد طهران شد پس از
 چندی بی بخیالات مکتوبه انابك برده برخلاف سرکات
 او شد - در حقیقت بیای صدر اعظم بود - و صدر اعظم
 هم از دانش و دولت خواهی و شاه پرستی او خیل
 چشم میزد - بارها پیش شاه اقدام در زمین زدن
 وزیر دربار نمود - تیرش بسنگ آمد - عاقبت مکرده
 آنچه باید بکند و چشاند بر او سزای ملت پروری و
 شاه پرستی و ترقی خواهی را
 هرگاه وضع بدین قسم و انابك بدین اقتدار باقی ماند
 خونها در دربار از نوکریهای صادق بریزد اکتفا
 بيك نفر وزیر دربار اعظم نخواهد مکرده عمماً قریب
 بسمع عالی خواهد رسید که به پناه سرپوش بروی
 جماعتی خواهد گذارد - و عاقبت کار رنگ دیگر خواهد
 گرفت من میتوانم ازین خطبهاشیکه دولت در استقلال
 انابك کرده پیشین گوئی نمائیم و مانند سایر پیشینگوئیها
 مقرون بصواب گردد ولی امروز سر بسته ماند بهتر است
 بید نیست قبل از رسیدن این خط اخبارات تلگرافی
 شما را از وضع دربار مطلع سازد
 انابك بخیال خویش میدان را از رقبا و مدعیان
 خود خالی نموده - ولی بعقیده من چند سباحتی بهتر سر
 صداها نمی‌خواهد - در حقیقت دولت پرستان ترقیخواه
 وطن دوست را بوی خون بمشام رسید - این گونه
 خونها نخواهد - بلکه از هر قطره آن مانند میکروب
 ملیونها حامیان پادشاه و وطن پیدا خواهند شد
 وضع زمانه تبدیل یافته باید ترك خیانت گفت و
 مسلك دولت پرستی و وطن خواهی گرفت - قضیه
 وزیر دربار اعظم دولت پرستان وطن خوله را بیشتر
 هوشیار مکرده از مقاصد مکتوبه انابك بهتر آگاهشان
 نموده در حفظ خود پیش از پیش خواهند کوشید
 انابك ابواب چاره را بر خود مسدود دیده -
 قتل مترصدین خویش کمر بسته است - علمای اعلام عموماً
 مؤیدالاسلام خاصه بد مذکور و متنبه باشند - در خفیه
 زهر خورایدن با یکدیگر شقاوت نفس دشوار نیست -

فایده دین دنیا فروش هم با بسیار اند - علمای
اعلام را لازم است تا این خبیث النفس روی مسند
نشسته خیلی در حفظ و حراست خود بکوشند چه
دیسترس باین وجودهای محترم جز بدین طریق
ندارد - الزامیکه بروزیر دربار اعظم داد همین بود
که واسطه تلگراف این بزرگواران نزد پادشاه بود -
همراه علمای اعلام وقتی وزیر دربار را بهمین بهانه از
درباره دولت تبیید نمود جلوكادر گرفته بودند - کارها
باین جا نمیکشید سکوت علمای اعلام تا امروز کارها را
بدینجا کشانیده - و ازین بعد سکوتشان بیشتر مایه
اضمحلال اسلام و اسلامیان و خود آن بزرگواران
خواهد گردید - تهنیتی ازین بالاتر که به علمای اعلام زد ؟
اهانتی ازین بزرگ تر که بآنها نمود ؟ باز هم آرام و
ساکت مانند - بمانند تا يك دفعه اموریکه در تصور
نمیکذرایدند ازین (خان) دولت بمنصه ظهور برسد
شاهزاده شعاع السلطنه را تا باینکه نگاهداشته
نگران او هست که از ایران خارج نشود چه
بواسطه اخراج نواب علیه عالیه (نخرا السلطنه) از روی
غیبت و حجت دلخون است اگر اتانک زمین نخورد
جامعی دیگر هم هستند که برخی ترد و تبیید و
بعضی هم بوزیر دربار اعظم ملحق خواهند کرد

گر ازین دست زند مطرب مجلس ره عشق
ای بسا دل که بجزونابه منقش باشد
نواب علیه عالیه (نخرا السلطنه) در داغستان روسیه
توقف فرموده اند
جناب حاجی امین الدوله را میگویند سفری
بفرنگستان خواهند رفت - عجب بدبختی است و دولت
ایران رخ کرده است - خداوند ملت و دولت را از
شر (خان) محفوظ دارد (راقم م - ع - خ)

لسان الصدق

مجلس بیست و نهم

(از شماره ۲۹)

لازمه هر پادشاه و امیر علم و احاطه بر قانون سلطنت و

حقوق شرعی ملت - و نفوس و صنایع و فنون و
محاصل مملکت خویش - و بصیرت بر اراضی و جباله
و اودیّه و میاه و حدود ملک خود است - بدون آگاهی
حکومت عادلانه بوفق قانون شرع و سیاست صالحه ممکن
نیست - مثلاً اگر دو کس در يك بلد به یکدیگر مرافقه
داشته باشند در ملک - ارث - اوقاف - حرج - قتل
تجارت - شرکت - یا زراعت و غیره حاکم بلد در میان
شان حکم میکند - غالب اوقات یکی از طرفین
راضی بآن حکم نشده بدربار پادشاه استیناف میکند اگر
پادشاه جاهل به مسائل شد - و در علوم و حقوق آن
ملت و از اراضی و نفوس و املاک آن مملکت بی خبر
باشد - نمیداند که آن حاکم حکم به حق کرده یا باطل
وقس علی ذالک این بود که سلاطین هوشیار سافه
در شرف فرزند خویش را که خلعت وایمهدی میبوشانیدند
با کمال جد و جهد در تربیت و تعالیم آن میکوشیدند تا
متصف بصفات حسنه و علم و حزم و تدبیر و کیاست
و فراست شود - چنانچه امروز ملوک عرب با وایمهدان
خود چنین میبایند -
وایمهدان روس و انگلیس و غیره وقتی به تخت
سلطنت جای گیرند - بقسمی واقف و ممدرد رعیت ظاهر
میشوند که گویا چندین سال است سلطنت کرده اند -
این نتیجه تربیت پدران و نمر علم و دانش آنهاست
پادشاه بعد از ترتیب وزراء و وکلاء و سزرا و
امراء و تشکیل مجالس و تحریر نفوس و انخاب مهندسین
و حکماء لازم است تا يك هیئت مختصر مملکت خویش را
سیاحت کند - و در آن سفر مبارک کموبیش بی خبر از
وزراء و امراء و مهندسین و اطباء با علم و بصیرت که
بیشتر در هیئت و ریاضی و جغرافیا دست داشته
ملازم رکاب باشند و خدم و حشم آن اجزاء محدود
و زیاده از صد نفر نباشد و به چهار صد نفر
سواره و پیاده کفایت نمایند - جمله این هیئت لباسان از
منسوجات داخلی و عمل دست رعیت باشد و مصارف
و مخارج آن سیاحت در مجلس ملی مذاکره و مشاوره

همه در حد اعتدال معین کرد احدی از آن هیئت مسافری از آحاد رعیت و حاکم و مأمورین بلدان يك دینار نگیرند - و در میان آن اردوی میمون دو سه نفر جاسوس دیندار صاحب علم و قلم لازم است - که از یکدیگر بی خبر باشند - اگر حرکت رشتی نسبت بر رعیت در این سفر از ملازمین رکاب سرزند تا تحقیقات صادقانه نبوسند و همه روزه به سمع پادشاه برسانند وقتی از جاسوسان خبر محقق شد که حق کسیرا غصب کرده اند بموجب استحقاق کبیر شوند آوقت جمیع رعیت لشکر پادشاه شوند و دعای پادشاهرا فرصت شایسته و موافق المطلب - با این اساس قریب یکسال چند دفعه بولایه و حکام و مأمورین حدود مایک و لشکری اطلاع بدهند که پادشاه اراده سیاحت مملکت دارد و گاه گاهی بعنوان مخصوص در حرایدهای خبر این حرکترا بشیر کنند و در تعیین وقت

سؤال - فائده این اخبار چیست ؟

جواب در آن فوائد بسیار است

اول ولایه مایم میشود که راهها را صاف کند و کوهها را بشکافد و پلها را سازند و عمارات را تعمیر کند و کوهچه ها را بایکزه سازند و احزای حکومتشانرا منظم کنند

دوم - برای صاف عسکره فائده این اعلان این است که محس و ورود پادشاه احوالرا منظم میسازند و نقصانرا تکمیل میکنند و برج و باره هر محلا محکم میباشد و سرحد داران دره یان خوف و رجا پادشاه در مقابل مأمورین همسایه خودسازی میکنند

سوم - هر کس از افراد رعیت فکر صحیحی با هنر نافی با درد بررگی داشته باشد از روی بصیرت حاضر میشود برای ورود پادشاه که بهر رس رساند

چهارم - مأمورین لشکری و کشوری اگر حق کسی را غصب کرده و یا بر عیق ظلم نموده بهر رس پادشاه برسانند - و در دفع ظلم بکوشند و . . . و . . . قبل از حرکت بیرون خیمه زده و با طرف خبر داده و بعد از اتمام مهمات بهر کجا که خواهد سفر کنند مأمورین

مایک و عسکری آن نقطه متصور در اعلان دادند و چند روز پیش از حرکت چند نفر از آن هیئت رفته بمنزل پدش که محل نزول پادشاه است اطرافش را ملاحظه نموده علوفه و لوازم اردو را معین نموده پادشاه روز معین حرکت کرده تا برسد بمنزل و در آنجا يك یا دو روز توقف فرماید - اطراف آن محل کوه و صحرا و میاه و غیره را سیر و تماشا کنند و مهندسین مجرب کوه و دشت و معمور و خرابه آن محلا کشف نموده خریطه کشیده با کمال اتفاق ضبط کنند و با اصول تاریخ و جغرافی تحریر شود - محاصل و صنایع و زراعت و وسعت اراضی آن ده با شهر و اجال نفوس آن در آن کتاب تحریر و در خیمه که مجلس هیئت است درست ملاحظه و مذاکره شود - و همچنین وضع حکومت و ترتیب مجلس آن بلد اعضاء و اجزاء حکومت و افواج عسکری و برج و باره آن محل و اسلحه و آذوقه لشکری ملاحظه شود و مفسدرا اصلاح و محسنانرا تحسین و تکمیل نواقص امر شود - باین ترتیب تمام شهر و قری و دشت و کوه و حدود را سیر کرده معاینه شود - این سیر و سیاحت بحال ملک و مات و دوت مفید تر است از سیر و سیاحت فرنگ - وقتی پادشاه بفر سلطنت عودت نمود پادشاه و عواشی آن از روی آن کتاب جغرافی هر وقت مملکت را در تحت نظارت حفظ میتوانند کرد از هر جای مملکت که خبر اغتشاش و اختلال برسد رؤسای جمهور از روی بصیرت میدانند که آن نقطه کجا واقع و منابل کدام خصم و خطر آن بجه اندازه است و اصلاح آن بجه مقدر قوت میشود - مثل کسی که از تمام اداره خانه و تجارت خود با خبر باشد و اگر این تقریر مرا حقیر شایسته سیر و سیاحت پادشاهان همسایه از روی بصیرت نظر کنید تا بزرگ و عظیم شایسته يك روز در معاهدات و تعیین حدود با همسایگان بحث خواهند نمود تا فائده اطلاع پادشاه و وزراء و امراء بحدود مملکت روشن شود انشاء الله تعالی (من نتایج افکار جدید)

نقل از روزنامه شریفه نوروز

تعلیم اطفال

در اخبار و آثار وارد شده است که وقتی حضرت سالتاب صلی الله علیه و آله نظر فرمود بسوی بعضی اطفال فرمودند وای از جانب پدران بر اطفالیکه و آخرالزمان میباشد پس شخصی عرض نمود که از جانب پدران مشرکان ایشان - حضرت فرمودند نه بلکه زجانب پدران مؤمنان ایشان - برای اینکه تعلیم نمایند ایشان هیچ از واجبات و آداب و امور دین ایشانرا . اگر اولاد بخواهند که تعلیم بگیرند و امور دین خودرا درست نمایند پس پدران منع مینمایند آنها را و صا میشوند برای ایشان بعرض و متاع دنیائی که بسیار بسیر و اندک است - پس من از ایشان بری و بزارم و ایشان از من بری و بزارند - مصداق انخبر صدق امروز اطفال مملکت میباشدند که نه درمقام تعلیم قوانین و نه درخیال آموختن علوم اند - اگر کسی این خبر را تشریح و در آن تأمل و تدقیق نماید بسیاری از حالات ما و اطفال ما منظور و معلوم خواهد شد چه علت این ویل و ثبور عدم علم . فقدان تعلیم و تأدیب اطفال مؤمنین است نه اطفال مشرکین و نه اطفال مطلق مصاحبین - ملاحظه میکنیم و می بینیم که اطفال غیر ما تربیت شدند و علم آموختند - اطفال خارجه تربیت پدران و اولیائشان اهل شدند - در مدارس و مکاتب خارجه تعلیم قانون و احکام مذهبشان مقدم بر سایر تعالیم است اگر یک نفر از اطفال ما که در مدارس ایران تربیت شود و در خارجه بخواهد داخل مدرسه شود اول امتحانی که از او میشود سؤال از احکام دین است - اگر بخوبی بداند قبول و الا با مردود و تا پذیراست یا مجبور خواهد شد بتعلم و آموختن احکام و قانون آن مملکت - اطفال ما که مسائل دین را نمیدانند سهل است که پدران آنها هم نمیدانند در مدرسه هم که میروند اگر پدر مدرسه بخواهد حکم کند بتعلیم اصول عقاید و آموختن مسائل اولیائشان صریح منع میکنند

این است که هر دو مشمول تفرین خدا و رسول خواهند بود - چه شده که اطفال خارجه باید با - واد و با علم باشند و اطفال بیچاره ما در کوجه ها و بازارها بیسکار و بیمار دستخوش مهالک شوند - نه علم را میآموزند و نه صنعت را اگر یک نفر هم اهل مدرسه باشد بمعاشرت و مجالست آنها ضایع و بد اخلاق خواهد شد - این است سبب که ما ابو فروش و بیخ فروش و دزد و آواره از وطن و بیکاره و مشدیه زیاد و فراوان داریم - اما عالم و با هنر و جوانمرد و با قوت کتر داریم - هیچ شنیدیم یک نفر عالم چیز فهم دزد شود - و یا یک نفر متمدن قتل نفس بناحق کند - یا یک نفر عالم گول و فریب خورد و از دین خارج شود - تمام خرابیها از جهل است - فسادها از نادانی است - کارهای قبیح و زشت از جاهل است - عالم مصدر خیر است - نادان مصدر شر - در ممالک متعمده و جاهای که از علم و تربیت بهره بردند بدون علم مصدر هیچ کار و متحمل هیچ عمل نمیشوند - حال علم حالی را باید حامل باشد اگر حالی تصدیقنامه علمی را نگیرد و در حالی خود امتحان نمود نخواهند گذارد بکسب حالی مشغولشود - عیب کارها اینجاست که تربیت اولاد عزیز را که شرعا و عقلا اهم و الزم است ترک نموده و این بیچارها را مهمل و معطل گذاریم - آنوقت شکایت میکنیم که مملکت ما آباد نمیشود اگر همین یک مسئله را اصلاح کنیم و در مقام تربیت این اطفال یتیم و بی پدر بلکه با پدر هم برآئیم و آنها را چنانکه شایست و بایست تربیت کنیم پس از مدتی همین تربیت شده ها بکار ما میخورند - همین بی پدرها مملکت را آباد و دولت و ملت را سرفراز خواهند نمود - نظر کنید ملاحظه فرمائید در روزنامه العجائب مطبوعه مصر در نمره پنجم از سال دوم در عنوان جراند قبطیه در مقام طعن و ذکر اخلاق سیه و نصیحت می نویسد - این نفاق و شقاق و این بی تربیتی است که ذامل و خوار نموده است شرق و اهل شرق را - و پس انداخت آنها را بحضیض اسفل و مرتبه

پستی و در داک و خواری و نم و بیکاری - بجای
 تا این خرابی را اصلاح نکنیم و با اطفال را با علم و
 تربیت نکیم تا جملان با علم اس بگیرند و از جهل
 بیرون نیایند این بدنامی و خرابی را داریم - راه اصلاح
 و تربیت و مرقی و تمدن این اطفال فقرا و ابناء ضعیف
 میبایست - چه پسر فلان الدوله و پسر فلان الملک اگر صد
 سال درس بخواند و بخارج سیر کند نه از برای
 ماکاند ساری نسد و نه میتواند حدادی و مجاری
 رارع و فلاحت ما را اطفال بی پدر و فقراء باید
 کمدیل کند تفنگ ته پروتوپ، ترالیوز که هر دقیقه
 دو سب و بجاء گلوله میاندازد و کشتی رره پوش و
 عواصی و محر پائی و نساجی و معدن شاسی و ساختن
 کارخانه و چرخ خیاطی و ماشین راه آهن و متحمل
 کار های صنعت و سحت و خیاری و طباحی را پسر
 فلان و پسر یا فلان الساطنه بخواند بود - این کار ها با
 فقراء و اطفال یتیم با علم است تا کتون آنچه اختراع و
 ترقی و صنعت برور یافته تا عات ایسان بوده - ابوعلی
 سینا اگر پسر يك نفر از ورراء بود کتاب شفا را
 داشتیم آخوند ملا سدر اکر پسر يك نفر از اعدیا
 مد کتاب اسرار را داشتیم - بهمن یار اکر پسر يك نفر
 از بزرگان بود تحصیل را داشتیم - قالی بافهای کرمان
 اگر اولاد سلاطین و ورراء بودند قالی چهل و شش
 هزار تومی در امریکا فروخته میشد - استاد علاءالحسین
 نسک سار کرمان اگر پسر يك نفر از حکام بود
 تفنگ به بر در کرمان تمام میشد که از تفنگ انگریزی
 تمیز داده نشود - اکر غنی و مال دار بود مال منوایی
 اختراع میکرد که در ررع بیلا طبران کند - نساج کرمانی
 باپردی اگر پسر رئیس الحصار بود حوله ررست
 ماهوت و محول در ایران منسوح میشد پس معلوم است
 تمدن علم و صنعت را اید این کوه اشخاص و وقع
 شد علم اشکر کسی و جهل گیری و عشق نظام و
 داستان فواید ملک و سیاست را از اولاد الملوك و
 پادشاهان بید توقع نمود - اولاد بزرگان و اغنیاء را با علم

حقوق بین الملک را آنچه که متعلق به سیاست و بحیثیت
 است و زبانهای و علم بودن بالسنة مختلفه اولاد علما
 را با علم قانون و قضا - دیگر باقی را از اولاد فقراء باید
 امید داریم تا اینکه از هر يك در مورد خود و کار
 خود فایده بریم آنوقت ملک آباد و مملکت و سیم و
 با رزوی خود نائل و قایز کردیم (رب وقتنا)

مکتوب از طهران

۲۰ جمادی الاول سنه (۱۳۲۱)

حساب مؤید الاسلام - بملاحظه وضع غیر مرغوب
 امروزه مملکت که ورپر زاده وزیر - و عالم زاده باید
 عالم نسیم شود - کارها بهتر از این نتواند شد - چون
 بدقت ملاحظه کنیم و در علل ترقیات سائر مال
 مذاقه بایم عانت عقب افتادن مات و دولت ایران از
 سائر مال و دول را همین اساس غیر مستقیم بوج و لجر
 ملاحظه خواهیم کرد

حکامی دانشمند چون طبعا جمیع افراد اسان را
 طالب بادی رتبه و مائل به رفح مقام یافته برای کوشش
 و جهد عامه در ترقیات ملکیه و ملیه و دولیه این
 وضع غیر مرغوب مناصب و عهده های موروثه را
 ترک گفته هر عهده و مقام را مشاع قرار داده و حق
 شتمه جمیع مساجب و سرباب دولتی و ماتی را برای
 عامه افراد مات نسیم نموده و حصول هر منصب و
 عهده را بایافتی چند اختصاص داده - تا هر کس طالب
 هر مقام و مرتبه باشد بکسب لیاقت و قابلیت کوشد - و
 همین وضع مصاناة نوع پرستانه مأخوذ از دیانت حقه
 و صراط مستقیم اسلام است که فرموده اند

کن این من شئت و اکتسب ادباً
 همیک محموده عن النسب

و این اصول مروجة امروژه ایران همان وضع زمان
 جاهلیت است که حضرت مول الموالی میفرماید (من
 تمزی بمنزله الحاهیه)

خدا ص ترقی هر ملک و ملت و دولت موقوف
 باصول تشویقی در تعلیم افراد و ترک مناصب

موروثه است تا اگر تابه آن نفع از آنجا که اسباب تشویق
 تعلیم و تربیت قرار ندهند هیچ مرتبه و مقام موضوع
 خواستگاری جعاق واقع نخواهد گردید - و تا مقام
 مقام پیش نیاید رنج نواقص آن عهد و مقام نخواهد
 شد - در هزمت ادارات دولتی - رهشق برای کارهای
 آن ملت واقع گردیده است - آه اصف است که بعضی
 از وزارتخانه های معتبر دولت محض مناسب موروثه
 بدست وزراء سواد افتد - چون مقصود هتاک نیست
 قلم را ازین موضوع باز گرفتیم - هرگاه در ریاست
 روحانی مسلمانان مانند ادارات حسابداران مراتب موروثه
 مد نظر گرفته شده بود (ابوعلی سینا) شیخ رئیس تعلیم
 نمی شد - و شیخ مرتضی رئیس نام فرقه شیعه مسلم
 نمی گردید - چه اینها ریاست موروثه نداشته اند
 از خاندان علم و فضل و به اصطلاح امروزه دارای
 علو حسب و سواد نبوده اند - اگر شرط و رتبت
 در ریاست روحانی مانند ریاستها حساسی بود - علمای
 اعلام کثرت آنها به صورت محو در عالم منتشر
 نمیکردند - از بخت همین اصول است که در ریاست
 یک موزیس روحانی و یا صد سر آن بزرگواران خالی
 در ریاست شرعی ما واقع نمیکرد - ولی اگر یکسر
 یا چند نفر از وزرای ما تلف شده با معزول شوید
 امور ملک و ملک طن متزعزع خواهد گردید - فرصت
 اگر همده و وزارت خارجه و یا داخله و صدر اعظمی
 ایران مشروط بیسابقه ای همینه و امتحانات خاصه بود
 یافته قوه در دستگاه دولت ام البدل آنان را موجود
 داشتیم

آری تا وقتی که جمیع خدمات و مراتب و مناصب
 ملک و ملت و دولت در بین جمیع افراد مشاع و وقف
 حالت نفوذ - و حصول هر خدمت از روی لیاقت
 و قابلیت قرار نگردد - امید حصول لیاقت در یک هیئت
 مجموعه ملتی مانند حصول آب در سراب است
 • یاد خاتم نبی مرحوم حجة الاسلام والد مشهورم
 مطابقت شاه ازمن و همین برادر بزرگوارم - سؤال فرمود

که شایه در تحصیل علم چه درجه و مقام را طالبید -
 بفاد (الطامل الصیر یعلم ان ابواه علی کل شیء تدبیر)
 هراس کنیم آن درجه علم و مقامی را که شما دارید -
 فرمود خساره بردید - و ریان کردید - چه من خیلی
 درجات رفیقه را طالب و حاهد بودم بدین مقام
 رسیدم - من شما که مقام و درجه مرا طالبید تقاسم
 و درجه پدر از من نال خواهید گردید -
 همت بلند دار که مردان روزگار
 از همت بلند سخانی دریاه اند

مقصود ابراست - که قصد طامل و خیال باطل است
 که تفنگ سار زاده اله - تفنگ سر شود و نام سگر
 راهه لا محاله سگر - اگر رقی ملا و عسروح حیلات
 ملت را خواستگاریم - بلند هرگاه سگر راده دارای
 لیاقت کامله گردید - البته وریر و دبیر یا مستوفی و
 سردار شود - و اگر وریر راده بی لیاقت شد محور
 سگری - امثال آن گردد - چرن چنین شود همراهها
 طرد مرحوم میرزاقی خان امیر آتک - و حاجی امیر
 الدوله در مات پیدا خواهد شد و چون درجه لیاقت
 و قابلیت مدطور بریده و بیست آن یک در ناغ شاه فین
 کاشان مسئول - و آن دیگری در بلاد خارجه بهرر
 میگردد و حال حق بی عمر در مقام آنها جای گرفته
 مات و مات را بر باد دهد

• ال قبل حکیم با فرهنگ شیدخ مصلح الدین
 سمدی شیرازی درین موضوع سخن رانده
 پسران وزیر بیدانش • بگانی بوسقا رفتند
 روسنازادگان با فرهنگ • بوزیری بادشا رفتند
 نکته دیگر چون ملاحظه کرد بیشتر وورث موجب
 و زیادتر مایه عبرت گردد - فرضاً تسلیم مینمایم که کارهای
 را باید ملت متحمل شود - پسر فلان وزیر و
 فرزند فلان عالم نباید خبازی و طباشی و تفنگ ساری
 و غیره نماید - اداره اخیری فخرای ملت بواسطه روح
 اتیاج خود مجبوراً باید متحمل اینگونه رحمت شاه
 گردد - ولی این نکته نباید عاقل ماند که ردهای

اجباری قراء ملت فقط برای جلب قوت لایموت آنان کافی تواند شد - رفع احتیاج ملت را نخواهد نمود - صنایع و زحمات شاقه که رفع احتیاج از ملت نماید و بذریعه آن صنایع ترقی و ثروت ابناء وطن پیش کردد حزمه تشویق دولت از قراء صنایعین نتواند شد - آری اگر دولت آلمان پس از اختراع توب کروپ متوجه بدان سکارخانه نمی شد و حامی او نمیگردید نه رفع نواقص توب کروپ شده بود - و نه تا این پایه طلا و نقره دیگران در ارای این جنس بحاک آلمان وارد میگردید هرگاه دولت ایران وقتیکه استاد غلامحسین تفنگ

ساز کرمانی یک قبضه تفنگ به بر مثل تفنگ انگلیس درست کرد متوجه بوی شده - تشویق و رغبت مینمود و هزار قبضه تفنگ برای مسامح داشتن یکی از امواج کرمان با او قنطرات میشد - هم رفع نقص و عطل آن تفنگ شده - و هم یک دستگاه صحیح تفنگسازی در ملت دایر میگردد - و هم صد نفر دیگر نیز و مانند استاد غلام حسین تفنگ ساز در ملت پیدا می شدند - ولی پس از آنکه دولت قدردای نموده متوجه بسایع ملک نگردد مجبوراً استاد غلامحسین تفنگساز باید بریشان و گرسنه و در بدر گردد - به تنها صنعت او هدر رود - بلکه هزار نفر همکار خود را هم از حرکت در آن جاده باز داشته است چرا که ملت مقتدر بر قدردانی نیست علاوه بیرون از وظیفه اوست

هرگاه فقط دولت و منتفع او منسوجات داخله رجوع نموده ترك البسه بخارجی نماید هم منسوجات ملک ترقی کند و هم رفع نقائص آنها شده تاکنون هزار باب کار سه و ماشین های سلجی در داخله دایر شده بود سلطی همایونها بومان ملت و دولت لزان عمر فائده حاصل می نمودند - دولت و من تبع دولت از لشکری و کشوری و بستگان آنها یک ایون اضافه اند هرگاه بنا شود یک میلیون نفوس اقشه داخله را استعمال نمایند و آنهم دولت و من تبع او باشد از روی وثوق نصف افراد ملت بی روی از خیالات و حرکات آنها نموده از روی

طبیعت در قبایل زلف و رفع جمیع نواقص کارخانجات نساجی ملک می گردد - انوس صکه ما تاریخ عصر جدید را نداریم و اگر هم داریم همان حکایات ضرب و طعش را ملاحظه نموده ایم - مذاقه در عبال ترقیات تجارنی و صنایعی دیگران نه نموده ایم - هرگاه دست بروی دست گذارده منتظر این باشیم که فلان مردکه شاگرد شربانی کرمانی ماشین برقی و بخار ارنندن طلب کرده راه بیندازد خیالیست خام بلکه نامر جام - در جمیع دول و ملل ترقی صناعات - تجار - فلاحات - وغیره را دولت به مدستی ملت داده - دولت میتواند هزار قبضه تفنگ از استاد غلامحسین مقاطعه نموده نصف وجهش را هم اول باو داده تا قادر بر اصلاح کارخانه خویش گردد لی افراد ملت آن ضرورت و استطاعت را ندارند - دولت سرگاه البسه قشون خود را از منسوجات داخله قرار دهد و همراهی با کارخانجات شربانی نماید دو صرصه چند سال رفع جمیع نواقص ملک تواند شد نهایت یکی دو سال قدری گران خواهد افتاد این گرانی ضررش برای ملت و دولت جزدان نیست این مبالغ در ملک و ملت می ماند و جیبی که در ملک باقی ماند گویا به کیسه ملت و خزینه دولت ذخیره است - آری اگر مائل برفع نقائص باشند زود میشود - چنانچه دیگران بودند و شد - ولی انابک که دست نشانده اجانب است کی میکندارد که دولت متوجه این گونه امور شود - این گونه عناوین بی سخر دانه جراید داخله پس مانیها خرفت مینماید - چه ضرر بگاو و گوسفند و مرغ میزند اگر مثل انگلستان وزیر خارجه شان کفشدوز زاده بپندوی لیاقت و قابلیت شده باشد - چه نقصی بر قومیت قومی وارد میگردد که مانند امریکا رئیس الوزرا نشان دبلغ و دماغ زاده شود - لارد کردن بر مافرای هند که در متن واقعه رتبه شاهی را داراست وزیر زاده و لورد زاده و بزرگ زاده بوده است - مسز کلا دستون و لورد سالسبری و پرس اسپارک شاهزاده و بزرگ زاده و وزیر زاده نبوده اند هر یک از آنان از نژاد بسترن افراد ملت خود بوده که

از برکت علم و لیاقت مستوجب این عهده‌های جلیل شده‌اند. در تشویق و ترغیب اهل صنعت همین بس که عموم بیلاطین مغرب هر یک در یکی دو صنعت دستی اظهار مهارت نموده اقتضای بدن میبایند بل - ما تاریخ عصر حاضر را نمیخوانیم. و اگر میخوانیم ملتنت نمیخوانیم جمیع کارخانجات بزرگ اروپا ملک وزرا و رجال بزرگ آن مملکت است - تشریح این سراتب را بوقت دیگر میگذاریم - خیلی دور از بصیرت است که ملت بدون تأیید دولت امیدوار باشد که استاد غلامحسین قنک ساز چون شخص باجودی است کارخانه توب کرویسازی برای ما بیاورد. و یا ساجهائی که غالی چهل و شش هزار تومانی بافته‌اند کارخانه جلوار بافی بداخله جلب نمایند بحث خودمان را درین موضوع هم بوقت دیگر میگذاریم

در باره تعلیم و تربیت ملت - دور از انصاف است که تصور این را هم بگردن ملت گذاریم تربیت ملت تکلیف بنده و امثال بنده نیست - یعنی از بنده و صد امثال بنده بر نمی آید - در جمیع دول تربیت ملت را دولت از پول ملت بدمه گرفته است - دولت انگلیس چون میداند از ملت جاهل هیچگونه فائده حاصل نمیتوان کرد - بمجریکه سودان را فتح نمود یکصد هزار لیرا که به پول ایران سه کرویر و سیصد هزار تومان است صرف کرده آغاز به تعلیم ملت سودانیه نمود رسم جمیع دول است که - صیارف تعلیم ملت را مثل یکی از عوامل ضایع دولتی از مات حاصل کرده بدون دیاری حریف و زنیل ~~تعلیم~~ تعلیم بدهد - چند ~~یک~~ کرویر دولت از بسنت و ~~تعلیم~~ ~~تعلیم~~ تازه حاصل کرد و کورتهای بذریه ~~تعلیم~~ ~~تعلیم~~ ~~تعلیم~~ نمود هرگاه ده یک این تحمیلات ~~تعلیم~~ ~~تعلیم~~ ~~تعلیم~~ ملت بشود - فعلا رفع جمیع نواقص تعلیمی ما تواند شد

مشکل این جاست که (خان) ملت یعنی اتابک و دولت بتوب کرویر جلو ترقیات ملیه را گرفته حامیان او این تصرفات را هم بگردن ملت می اندازند - در دول دیگر

علاوه بر اینکه همه گونه اسباب تربیت و تعلیم ملت را فراهم نموده‌اند تشویق در تعلیم را هم از دست نداده جمیع خدمات دولتی را برای تشویق طلاب و رفع نواقص آن منوط بلیاقت و سند یافتن از دارالعلومها قرار داده‌اند - کلانتر یک بلوک و ضابط یک ده امکان ندادند بدون حصول سند لیاقت از مدارس بدان مقام ارتقا جوید تمام اهل ده و جمیع افراد آن بلوک را یقین و اناق است که اگر هر یک سند لیاقت مدارس را مثل او بدست آرند شایسته یافتن مقام کلانتری و ضابطی شود - دول دیگر که ملت را تربیت کرده این قسم نموده‌اند - نه اینکه به تشویق یک مرد محترم یعنی جناب حاجی امین الدوله (که حقوقش بر ایرانیان زیاده بر آن است که بتوانیم نگاشت) این چند مدرسی را هم که باز شده در صد تعطیل برآمده بر اسم و رسم که بتواند محدود نماید سی و پنج شش مدارس در طهران باز بود آنها را بدوازده سیزده محدود کرد - و ملت هم بر صورت فلك زده میگذارد که سالانه دولت علیه شش هزار تومان صرف تعلیم ملت مینماید - هرگاه بنسبت شرم نایم همین یک نکته کافی است - ولی شرم کجاست

این (خان) دولت در صورتی بحق تصرف در مدارس مله دارد که مثل سائر دول جمیع نواقص تعلیم و تربیت ملت را رفع نموده باشد - (خان) دولت چون میداند که از مکاتب سرگذرها حسنات رنده نتواند شد - کار بر آنها ندارد - حرف خیلی و فریاد آکارش نیست - (خان) دولت از روی دستور البعل مسایه شامی نمیخواهد حسنات ایرانیه رنده شود - چه مسایه است اگر حسن ایرانیان زنده گردد - مقاصد مکتبونه (خان) و خیالات مخفیانه روس هرگز صورت نه ~~تعلیم~~ ~~تعلیم~~ ~~تعلیم~~ ملت را در چیز زنده می تولید کرد اول تربیت و تعلیم - در مدارس مرتبه منظمه - دوم جراید آزاد - اما جرائد که نداشته و نداریم - و هرگاه یکی دو اوراق از خارجه می آمد بوقیف کرد - مدارس عمومی هم که بقدر

حکایت نداشته و نداریم - و این چند مدرسه هم که بهمت دانشندان است و بشوق حاجی امین الدوله (خرکانه - خدا سلامت دارم) باز شدخان است (که خداوند رشه اش را از زمین برکنند) مسعود کرده و خواهد کرد - عقیده قانده خود این یادگار را هم در مات از آن وجود محترم باقی نخواهد گذارد ولی (این خیال است و محال است و خون) هر گاه دیگران هم خیرات و دولت را حقیقتاً خواستگار بودند باید در هر سه سال ریاست دولت يك اقدام مصاحفانه میدهد برای ملت و دولت کرده - یادگاری از خویش برقرار گذارند. آری او هم یادگار برای خود گذارده است و دولت را ذلیل و اسیر روس ساخته مملکت را ره نهاده استقراس عمده سیاحت فرنگ رفته اند - این نکته را نیکو باید دانست که عمر اسباده به آخر رسیده این وضع غیر مرعوب هرگز باقی نخواهد ماند - خوب است حرائد نگاران متعاقب داخله آله دست حاکم واقع شده خوشن را ملوم مات سازند آن زمان گذشت که تصور می شد مات نکته سنج بسبب - می فهمد امر کنید به تاریخ نگاران متعاقب که امروز هر کس نگارشات آنها را قرائت کند جز این و ملامت بر آنان روا نداند - ایام انحطاط ملت ابرایه گذشت عصر صعود ابرایان در رسیده هیچ امر طبع از پیشرفت ترقیات مایه ایران نتواند شد - و منابع اقباط مات خود حاضر خواهند گزیدند (و ذالك خسران بین)

(وراقم - ع - و)

شکارش یکی از خردمندان اروپائی

(نظم خود)

ایران و ایرانی

شماره ۲

خلاصه ژاپونیا چهل سال قبل این نکته را استدلال کرده - اول مجلسی منعقد نمودند که مشتمل بود بر علمای مذهب و شخص سلطان و اراکین دولت و بعضی از امرای داناان ملت - بعد از رد و قبح

بسیار تو سخن منطقی - منتظرانه جهشانه شخصی از آن میسان با بانی عمرمانه - بلذشته برنخسته با کمال آزادی به سخن گفتن آغاز کرده بیان نمودند برادران معلوم است که مات ما ذلیل تر و جاهل تر و بی چیز تر و کم قوت ترین مال عالم است - با این حال که ما داریم باز هم غنیمت است که نامی از آزادی می توانیم برده اگر چه تحت حکومت و مملکت چین هستیم باز هم شخصی از مات خود مان باسم سلطان بر ما حکم ران است - اگر دیده بصیرت بکشایم خواهیم دید که درین حال هر فردی از افراد ما شاه و وزیر و سلطان است اسم و رسم و شعائر مذهبی ما نیز برجاست و هنوز آنقدر در به کیسه داریم که مال فرنگ خوب - آهن - پنبه خود را نزد ما آورده طلا و نقره و جواهر از ما بگیرند آیا خبر دارید که فردا بر سر ما چه خواهد رسید - و کدام زهر مالاهل را لامحاله از دست ساقی ره زکار خواهیم جشید - چهل و غفلات ما آتشی مخفی در حبه ما رده ما از بس برده نادانی به ترغیب دشمنان دوست ما یاد زر گرفته بر آن آتش باد میزیم تا کم کم دور تا دور ما را بگیرد - و يك دفعه برده از روی کارها برداشته چاره کار بحال گزرد - آخرمان نه از تعصب مذهب علمای روحانی ما چاره کار بدست آید و نه از خودداری و کبر حکام و دولت مندان ما علاجی درست شود - هر یکی سر دیگری را الزام بی معنی خواهیم داد و لامحاله کردن به اطاعت مال مختلفه (که نه هم صورت و نه هم طریق و نه هم مذهب ما خواهند بود) خواهیم نهاد - شیر و گزگ و درندگان دیگر بر عمار ما آماده هنوز در برده های متشوک پنهانند و بیرون وقت شکار رسد بی خجالتانه از هر شکستار سوگویند بر ما حست خواهند نمود - و ما چون گله های گوسفند بی مزاحمتی خود را بکشتن خواهیم داد

مقصود ایست قل از آنی که چاره کار از دست ما بیرون رود در صدد تدبیر بر آئیم و افلا خود را بدست خویش در چنگال درندگان بداریم - یاران تدبیر

چه و چاره ساز این کارگست - یکی از دانایان این طایفه در جواب سبقت کرده گفت که این همه تنزل و پستی شما از آنست که با احکام شریعت و مذهب خود عمل نمیکنید و صدقات و خیرات مایه را صرف فقرای ملت نمینمایید و مواد خیریه مذهب را رواج نمیدهید - خداوند (که کلید پست و بلندی و کشایش کارهای عالم بدست اوست) از شما ناراض است از تهاون شما در برانجام مهم مذهب کار بجائی رسیده که گذشته از تعمیرات ملیه جدیده عمارتهای باورینه شما از اندراس رو با بتمام نهاده - و از صفحه عالم ناپود شده از مطیع شما نانی و آبی به گدایان نرسد - و پشیزی به مساکین مستحق داده نمیشود

چون سخن با بجا رسید - یکی از دانایان به آزادی که در چنین مواقع بهترین علاج دردهای ملت سخن بر زبان آورده گفت آنچه بیان شد همه صحیح است ولی باید دانست که مستحق صدقات و خیرات کیانند - اگر مردمانی هستند که خداوند و خالق قوای انسان هر قسم قوای حیوانی و ملکوتی با ایشان عطا فرموده و نقصانی در اعضای او نیست مگر تنبلی و نادانی - آنچه قوای او که از برای کسب هرگونه صنعت و حرفت و طلب معاشی خلاق شده معطل گذاشته - روز و شب در صدد آن هستند که بی زحمت و بی صرف آن قوا لقمه به صدقه یابند و در تمدن قوم و ملت خود رخنه اندازند - تا دیگران هم طابق النعل گدا و سائل یکف شوند - در صورتیکه عالمی روحانی هم این اعمال را محبوب بداند - البته رفته رفته اثر صنعت و حرمت و مشقت از قوم مات بیرون رود - و کم کم از ادای اینگونه صدقات و خیرات امرای بعد از یک طبقه یا دو طبقه به زمره فقرا در آیند چه فقرای ملت با همه احتیاج برای قوت خود کار میکنند و به تن آسانی تمام محض از حرکت زبان و وانی فتر و مسکنت که دارند باندازه تحصیل قوت پیمانند - امرای ملت که ابا عن مجد در پی مشقت و کسب همیشه بوده - از یک طرف

بار مخارج زیاد بر ایشان افزاده از طرف دیگر بد از یک دو تقسیم و رانت ربع همیشه هم باقی نمانده - و مخارج بر همان منوال اولیه باقی بل زائد شده کم کم فتر و ناچار باخذ صدقات میکردند این نکات ملت ازین قسم صدقات و خیرات (که محض بر قاء و رواج یافته است) برخاسته - مساکینی که قوای کسب کردن ندارند - پیران زمین گیر - کور - نل - مجذوم - زبان احمیای برده نشین را اتلاف حقوق شده این گونه مستحقین محروم میکردند - اگر کسی از امرای چند درهم صدفه از مال خود بجهت ایثار جدا کند مشکل است که محبوق کرده بمسکین که از کسب معاش عاجز میباشد بدهد بیشتر سبب همین قسم گدایان که قوای حیوانی ایشان سلامت است میگردد - و گاه هست که متمول هم هستند و کوجه به کوجه در طاب صدقات میگردند - و مردم هم بدست آنها صدقات خود را میسپارند - خوب است مجلسی از اراکین تمدن بر قرار داریم که این قسم صدقات را بدان مجلس داده اراکین مجلس بمساکین عاجز که به تحقیق تمام علم با مستحق ایشان بهم رسانده بدهند - نه حانه منظم داریم که مردمان بی چیز و فقرای مسکین در آنجا سکونت یافته تا اراکین مجلس مذکور خبر گیری لباس و خوراک ایشانرا کرده باشند - کسی که مجبور محض از خدمت باشد الا خدمت و کسی که قدرت داشته باشد ولو هر قسم زحمت باشد به احرت معینه خدمت نکند - و اغنیا صدقات و خیرات را به مدیران و منتظران آن خانه سپرد بکنند - پس اگر ازین قسم صدقات مروجی که مضر بحال مات و قوم میباشد خدای راضی و خوشنود میشود ظلمی است صریح که بر مات روا شده - اما ایرادی که بر رفتار مات فرمودید که مات موافق مذهب و دین نمیکنند عرض صحیح و صریح ازین حرف طاهر می شود - هرگاه متعود اینست که در بجا آوردن عبادات منصرفند - البته بدکال در ادای بندگی و اظهار عبودیت و تسکیر منعم حقیقی همواره مقصر بوده هستند و در هر ملت هر فردی از

فردا درین خدمت عجز و قصور را دارد. منحصر بر ملت ما نیست. پس باید هر ملت بهمین قسم که ما هستیم گرفتار غضب خدا باشد. اگر غرض اینست که در امور تمدن و سیاسات پیروی احکام مذهب خود نمی کنیم. اولاً باید دانست که مذهب ما دارای کلیات و جزئیات مسائل تمدن و سیاست مملکت هست؟ یا از کلیات مسائل مذهب بر جزئیات امور تمدن بی خواهیم برد. معلوم است که در مذهب ما جز کلیات تمدن از جزئیات بحث نیست. لا محاله بر عقول و اوهام که سایه دو سه مراتب عبادات را نیک شناسند و مسائل عبادت را نیکو دانند نه از اصول تمدن آگاه میباشند نه از سیاسات مملکت عمل شود ظاهر است کسیکه از اصول و قواعد و علوم ضروری با خبر نیست و نمی داند که عقب دیوار خانه خود هم چیز دیگر هست تدبیر و رأی او را چه قوت است و با این جهل چه طور رأی بر صواب خواهد بود و عمل بر مشاورات او چه ثمر خواهد داد. اما اینکه دگر شد که ملت در صدد نگاهداشتن عمارات عبادت گاه و تعمیر معابد باشند بسیاری عمارات معبد از هم ریخته و شکسته. سبب اینست که بانیان عمارات فهمیدند که اول باید نیانی برای قیام و بر جا ماندن این عبادت گاه ها کرد و سپس طرح عمارت را بپردازیم و قیام و بیان عمارات همراز زرو مال است و این زمانه حصول زرو و مال که ملت را متمتع کند از حرفت و صنعت و زراعت و تجارت قوم بدست میآید و برای هر یک ازینها علوم و فنون جدید ضروری التحصیل میباشد که ما از او محروم محض هستیم. و هم بنظر دور بین عنای هر مذهب ثواب زیاد در احرای آن کار است که ملک و ملت را احتیاج بدان بیشتر باشد. مثلاً به مسکین آب و طعام دادن ثواب است اگر کسی از مساکین تشنه از تشنگی قریب هلاکت رسیده باشد او را بجای آب نذاهای متنوعه لذیبه که قیمتش صد برابر قیمت آب باشد بدهند و با اینکه

آب هم موجود باشد باوندند چه ثواب دارد بلکه دور نیست که عوض ثواب عذاب عائد بحال ایشان آکنده شود. و اگر در آن حین تشنگی عوض طعام یک قدح آب باو داده شود همانا از تعمیر بسیاری عمارات بهتر و افضل تر خواهد بود (باقی دارد)

تتمه مکتوب یکی از علمای جلیل

﴿ مدظله العالی ﴾

(غره جمادی الثانی سنه ۱۳۲۱)

﴿ از شهره اول ﴾

ده هفته قبل صورت حساب چهل کرور قرضه را که (خان) ملت را دغا و دولت را فریب داده. با آن شرایط منحوسه (که همه قسم محو ملت و دولت را دعوت میناید) از روس گرفته. در خارجه برخی را صرف لهو و لعب نموده. و بقیه را باسم خود در بنگهای اجانب جمع کرده است. با مقدار فرعیکه بر آن تعاق گرفته خواهد گرفت نوشته فرستادم. انشاء الله تعالی رسیده و درج در جلالالتین نموده امید

حالا میخواهم برخی دقائق ضاره این استقراض و بعضی خیانتها می بیند این (خان) دولت اسلام را بدین فلاکت و ملت ایران را بدین اسارت انداخته است بیان نمایم این نکته را بدوا باید مدنظر داشت که اداره شدن گمرک و اولین تعرفه صد پنج نتیجه همین استقراض بود. که يك تحميل فوق العاده بر ملت وارد آورد. و این عمل نیز به تکلیف روس شد. چه دولت ایران دخل گمرکات را برای ادای اصل و فرع این استقراض برهن گذارد. استرهان باجاره را دولت روس منظور نداشت. علاوه بر این قبل از استقراض اولیه اجاره تمام گمرکات ایران به کرور نمیرسید. تخمیناً نصف دخل گمرک ایران از گمرکخانههای خلیج فارس است که بملاحظه خساره رژی که آنها از اثر و خامت خیالات میشوم (خان) باشد برهن دولت انگلیس و از ضمانت این استقراض خارج بود. چنانچه هر شرط نامه نیز صراحتاً این نکته سمت اندراج پذیرف

چون در سال اول قسط برای استقراض اولیه بالغ بر هفتصد هزار تومان - دولت را لازم الادا بود - و این مقدار منهای حاصل گمرکات خلیج فارس دخل نبود - گمرک صد پنج را مقرر نموده در همان سال اول بالغ بر پنج کرور تومان دخل تمام گمرکات ایران قلم داد شد - چون مطابق شروط استقراض اولیه دولت صامن بود که جمیع قروض خارجه خود را به بردازد قرض رژی نیز پرداخته شد - از یکطرف دخل زیاد شد از طرف دیگر استخلاص گمرکات خلیج فارس بر اعتبار دولت افزوده قرضه ثانوی باز بضانت دخل گمرکات گرفته شد - این تدابیر را انابك برای اضمحلال مات و دوات نموده تدارك دویست کرور قرض از روس دیده بود - که يك مرتبه دولت ایران را مضمحل و نابود سازد - که (خداوند العالمات مضمحل و نابودش نماید) از آبرامیکه تا رهن معتبر و دخل مستقل نشان داده شود خارجه قرض نمیدهند تعرفه ثانوی گمرک را برقرار داشته این تحمیل فوق العاده را بر رعایای بیچاره ایران نمود - ای کاش این تحمیلی که بملت شد برای دخل دولت و اصلاح امور مملکت بود - این تحمیلات فوق العاده را برای نمودن اعتبار بروس و گرفتن وجه از او کرد - که در همین زودبها آوازش بلند خواهد شد - عابق این استقراض همانا اقدام علمای اعلام و این اغتشاشات اندرونی مملکت شد اگر انابك بر وی صکار ماند عمأ قریب آواز استقراضهای بزرگ دولت ایران بمسامع عالمیان خواهد رسید - فعلا دولت ایران از دخل گمرک اعتبار تا دویست کرور قرض حاصل نموده انابك همه روز خرج تراشی کرده اسباب نشکی فراهم آورده که دولت را مجبور باستقراض نماید - ولی چون علمای اعلام بی بدین مقاصد (مکنونه) برده بتأیید حضرت حجة الله القائم المنتظر زباده بر این ملت و دولت اعلام را دستخوش مذلت و خواری اجانب نخواهند گذارد و ریشه خناب که انابك است بر خواهند کند

در اواین قسط این دو استقراض اصلا و فرعا دو کرور و چهار صد و شصت و شش هزار و ششصد و شصت و شش (۱۴۶۶۶۶) تومان و شش قران و سیزده شاهی و چند دینار به پردازد تا هفتاد و پنج سال فقط هر سال از سال قبل شانزده هزار تومان کم خواهد پرداخت هرگاه این خائن را قصد آن نبود که جنگال دولت روس را تا به چه رحسد طیب و طاهر مات و دولت اسلام فرو برد - در صورتیکه قبل از وقت چند مقابل بدهی اقساطیکه دوات باید درباره این استقراض بروس به پردازد از مات توقع نگرفتن نمود - چه میشد که از اصل این وجه استقراضی سالانه دویست و کثری هزار تومان اضافه می پرداخت - بعبارة اخری سالی يك کرور از اصل پرداخته بودند

اولا - در هر سه چهار سال مات و دوات اسلام ازین سنگ مذلت بیرون می آیند

ثانیا در همین حزن فرق بالغ بر انداره این دو استقراض دوات و مات فائده بر می گزید - یعنی چهل و دو کرور تومان دست مردم مات از مات سود کمتر بکیصه روس میرفت

واصح تر باید بیان کرد - تا عام فهمتر شود - تنزیل بر چهل کرور وجه استقراضی از روی فرع صد شش که تومانی یکشاهی باشد در هفتاد و پنج سال ذکر نمودیم که نود و يك کرور و صد هزار تومان تعاقب بگیرد - ولی - در صورتیکه باصول مزبوره عمل می شد یعنی همه ساله از مقدار اصلی که میدهند دویست و سی هزار تومان اضافه میدادند - در هر سه چهار سال مات و دولت از زیر بار این استقراض بیرون می آمد - و علاوه مطابق همین تنزیل صد شش چهل و دو کرور خالص فائده مات و دولت میرسید - اینک باید در عرض این چهل کرور قرض اصلا و فرعا نکصد و سی و يك کرور و صد هزار تومان به پردازند - باین وضعی که ما ذکر نمودیم اصلا و فرعا هشتاد و نه کرور بیش پرداخته نمی شد - باز هم میتوان تصور کرد که انابك بمات و دولت اسلام خیانت نکرده است ؟ اگر گفته شود که روس جز بدین قسم پول نمیداد مقاصد مستوره

روس را دوباره دولت و ملك و ملت ایران عاتقاً آشکارا ساخته است - هرگاه گفته شود که انابك درك این نكات را نکرده بود دروغ است - چه می بینیم در شرایط این استقراض نكات منحوسه میشود را بر علیه دولت ایران کنعانده است که مرکز دولت روس را هم بتصور نیامده بود - با این همه خیانات بینة انابك درماده این استقراض باز هم در حضور پادشاه اسلام خیرخواه - ملو کرده و بر عالمی اعلام که بی مذهب نكات مهمه (که هرکس برای محو و انقراض ملت و دولت کافی تواند بود) برده نهمت القای شبهه میزند -

هرگاه کسی بگوید دولت مقتدر نبود که سالی ده است هزار تومان اضافه بر آنچه میدهد بپردازد دروغ گفته - چه سالانه دولت چهار کرور اضافه از دخل سابق گرفت بر مات تحمیل نموده از همان چهار کرور متواست این دوست هزار تومانرا به بپردازد - اگر گفته شود که سود وجه استقراضی کم بود برای جاب فائده ملت و دولت ادای این وجه مدت قابل میدهد بود این نیز کذب محض است - چه احدی نمیتواند نشان داد که درین سی چهل ساله هیچ دولت و امارت و لو ور شکسته باشد با این شرایط منحوسه و این رهن معتبر و اس سود زیاد استقراض نموده باشد - هرگاه در همین يك هفته مذاقه شود که ابدا اهمیت ندارد خیانت انابك و آن دلال خبیث النسس مکنونه آنان - بمات و دولت ایران و هواداری روس مبرهن و روشن میگردد

نکته دیگر نیز که خیلی جاب نظر دقت میباشد آن است - که انابك در حضور مبارك پادشاه صاف بدون بدوا عرضه داشت که چون يك دفعه سه کرور وجه بدوات روس با این مصارف زیاد دولت ازگرك برداختن امریست دشوار - و مطابق شرط نامه بمید نیست مورث اشکالاتی چند شود - مناسب است که اقساط سالانه را برای سهولت ماهانه از دخل گرك

به بردازیم تا در آتیه خوف پیش آمدن هیچگونه اشکالی برای دولت نباشد - دولت روس را هم بر قبول این معنی میتوان راضی نمود - این نکته نیز مانند سایر شروط این استقراض سرسری امضا شد - روزنامه ایران در برده این معنی را تصدیق می نماید آنجا که برای رفع اهمیت این مسئله از انظار مات - میگوید که صرف دولت باید ماهی فلان مقدار قسط این استقراض را به بپردازد چون دخل گرك بیش از ادای اقساط استقراضی است خوف هیچگونه اشکالی برای دولت نیست -

در واقع این شرط زیاده بر سایر شروط مات و دولت ایران را زیان مالی میرساند - چه اسما بفرع تومانی بکهای پول قرض شده که صد شش باشد و رسا تومانی صد دینار استقراض نموده اند - که صد دوازده باشد - تفصیل اجمالی آن است که هرگاه شخص هزار و دوست تومان بفرع صد شش بمدت یکسال استقراض نماید - هفتاد و دو تومان در مدت یکسال بر جمیع این وجه فرع تعلق میگیرد - چنانچه این هزار و دوست تومانرا در دوازده قسط ماه بپایه ادا نماید و هفتاد و دو تومان فرع دهد - صد دوازده تنزیل بر آن تعلق خواهد گرفت - ماه اول فرع تمام وجه بر او تعلق گرفته ماه دوم که صد تومان از اصل پرداخته شد فرع هصد تومان بر او تعلق میگیرد - همین قسم همراه از فرع اصل که داده کم میشود - این نکته بر کسانی که اندک ربط در حساب دارند پوشیده نیست - که در دیون اقساطی زاید بر فرع شش ماه بر مدیون تعلق نمیگیرد

بناء علیه دولت علیه ایران هرگاه بنا شود ماهانه قسط یکساله را به بپردازد صد دوازده که تومانی صد دینار باشد استقراض نموده - و صد شش که تومانی یکشاهی است انابك نام نهاده است

از روی این حساب ضرر مات و دولت درین چهل کرور استقراض منهای اصل یکصد و هشتاد و دو کرور دوست هزار (۹۰۲ ۰۰۰۰) تومان است - که اصلاً و فرعاً دوست و بیست دو کرور

حویست هزار (۱۱۲۰۰۰۰۰) تومان باشد یعنی این مبلغ از دست مردمان صرف شهوت رانی اتابك گردیده است. باز هم بهای اعلام اعلام کثرتاً امثالهم القای شبه شده ؟ یعنی بین الله اگر دولت روس با همه گونه صرف قدرت و محضاً خواستگار بود که تا ایندرجه ملت و دولت را متضرر ساخته حاوی و محیط بر آنها گردد بدون دست یاری این خان امکان داشت ؟ نه والله

آیا جوابی برای این وجه استقراضی و حسابی برای صرف آن هست ؟ نه بالله -

با اینکه اگر این جهل و سرور را در داخله مملکت و لو نه اهو و اصب صرف و بمصارف غیر مشروع و سائیده بود بازمات قلب خود را بدین امر میتوانست راضی نمود. که جهل و سرور بول از خارج در مملکت آمده در دست افراد ملت چرخ میزند. و چون در ایران فرع از قرار تومانی صد دینار رایج است از یکطرف ملت کمتر ضرر کرده از طرف دیگر تحمیل فوق العاده کردار دولت می پرداخت - بجزئیات میتوان گفت که جز يك کرور و کزی که اسماً در وجه مواجب های پس افتاده پرداختند (که در متن واقع این هم بتقلب بود و دوات دو مرتبه این وجه را پرداخت) دیناری از این وجه استقراضی در داخله باقی نماند -

هرگاه این وجه در داخله مملکت باقی و در دست و پای ملت پراشیده بود - امروز دستگاه ملت و دوات تا ایندرجه از وجه تهی نبود. اگر دست خیانت اتابك در بیت المال مسامحین نیست باینهمه اضافه دخل که درین چند ساله جلوس شاهانه برای دولت پیدا شده چرا باید دوات امروز محتاج بقرض تازه شود ؟ چرا باید غالب بروات دولتی در دست ارباب و ظالمان بیوجه تمامد ؟ و به تومانی سه قران و چهار قران ریاضی بفروش شوند و صرفان مخصوص اتابك بخرند ؟ از زمانه ناصرالدین شاه مرحوم با آنچه داد و دهش و ریزش و سفرهای بی دریغی فرنگ دیری نگذشته و مبالغ معتنائی بر دخل دوات افزوده و برای دولت صرف فوق العاده پیش نیامده و کسی

نمیواند نشان داد که در تعمیرات ملك و استحكامات سرحد و ازدیاد قشون و قوای جنگی دولت صرف فوق العاده نموده است. هیچکس یاد ندارد که در زمانه ناصرالدین شاه مرحوم بروات دولتی تا این درجه بی اعتبار شده و يكسال و دو سال و سه سال در دست مردم بیوجه بماند - درین عهد هیچ مرتبى در دستگاه سلطنت ظاهر نشده مگر خرج تراشیهائیکه درین زمانه برای دولت اتابك میکند - هر قدر دخل دوات زیاد میگردد تنگی پول در دستگاه دولت بیش میشود - باز هم جای القای شبهه باقی است ؟ اقل خدام شرع (ن - ح - م)

جغرافیای طبیعی

(عطف به سابق)

(از شماره ۱۸ سال دهم)

§ بعضی از سطحات ارض سست و بر منفذ و بعضی سخت و متحجر و موادشان ملصق و متصل یکدیگر است - نفوذ آب در اراضی مختلف القوا تا اندازه مختلف است - در زمین نرم بر منفذ آب زود نفوذ میکنند و از نظر غایب میگردد - ولی در زمین سخت غیر منفذ برخلاف آن مشاهده میشود - زمین ريك زار دارای منافذ زیاد است - چه مواد آن متصل بهم نیستند و همیشه فاصله قلیلی بین شان موجود است لکن رو آب که بر چنین اراضی جاری می شود از آن مفاصل و منافذ فرو میرود - گویا این گونه اراضی مانند اسفنج است که آب را بخود جذب مینماید - برخلاف آن زمینهای گلی که موادش ملصق و چسبیده بهم اند و آن اتصال مواد نمیکند آب نفوذ نماید و چنین زمین را غیر منفذ می نمایند - هر جا طبقه زمین غیر منفذ اتفاق افتد آب در همان طبقه جمع می شود و چون راه نفوذ با درون زمین ندارد طبیعاً مفر دیگری برای خود پیدا کرده و بدانسو جاری میگردد - این است سکه قطعات ریگستان همچو بخشك و آب در آن یافت نمیشود

و زمین کل بسبب نگاهداری آب پیوسته عساک و مرطوب است
 آب گداخته روی یا آب باران که زیر زمین در سنگهای آوه فرو میرود در یک مقام قرار میگیرد و سکون اختیار میکند - و همواره راه در روی برای خود پیدا میباید - اگر زمینی را بسیار عمیق نکند مایان خواهد شد که آب از اطراف و حواص آن در قاطر و آهسته آهسته آن قطرات گودالی را پیدا کرده جمع خواهد گشت - و اگر آن آب را خارج نمایند بعد از چندی دوسریه آب در آن گودال جمع خواهد گردید - پس از این طهر آب که آب در زیر زمین تا جائیکه عائق برای او پیدا نشود میل به چرخش و شیب خواهد نمود

کوهها در تحت ارض واقع اند علاوه بر آنکه بسیاری آنها را اراضی رنگ ریزه اند که در آنها شکافهای ریزه دارند و آن رنگ را رنگ سنگ می نامند - معنی از این رنگهای سنگ به نازکی مو و معنی آن در و عراض راند و آب از این رنگها اطراف نشاء نمود میباید در بعضی کوهها که گشت سحاب و صاب است با هم هرگز رنگ داشته باشد آب آبی از میان آن حران خواهد چکید - مثلا سنگ آهک از مثال رنگها سبب و صلب بر چینه است ولی چون دارای ترکهای زیاد است پیشتر آب در آن نفوذ کرده فرو رفته از آن احتضار صافه رده میشود در بعضی از کوهها که ابتدا زمین هایش در شخم شده دیده میشود که بعضی اراضی آن همیشه نمناک است (با آنکه در آن سرزمین ها مدتی باران جاریده) و حال آنکه اراضی اطراف آن بسبب سورت آفتاب خشک اند - و با تابش و حدت حرارت آفتاب آن اراضی همیشه مرطوبند - از این ظاهر میشود که میناه اطراف کوه که در نزدیکی واقع اند پیوسته مان قطعات جاری میباشند و اراضی آن نواح را همیشه نمناک میکنند - در بعضی از اماکن آبی فقط از بالندی

به بستی نفوذ میسکنند بلکه مثل فواره بر هوا جسته میزند و این گونه حوشش آب را از زمین (چشمه) می نامند
 هر خروج طبیعی غالب آلهای تحت الارض چشمه میباشد و حالا باید تصور کنیم چگونه میناه تحت الارض صعود بسطح زمین میباید؟ چون آب در زمین فرورفت بجه اسباب نرفخ اظنیسلر میکند و جستان میشود که آلهای تحت الارض دو مرتبه بر سطح زمین جاری میگردد مسلما دانستن این اسباب بصیرت ما از اوضاع عالم کون و مساد خواهد گردید



نقشه فوق میباید چگونه طبقات زمین را بدست بیاورد - زمین مطلق و طبقهای محتامه را دارا و قدر هر یک از دیگری جدا گانه است - چون زمین را برای جاه ناسای عبارات نکند مطابق بودن آن ظاهر میگردد - عرض میکنم (ط - ط) طبقه زمین غیر مسعود و گل چسبیده و (ع - ع) طبقه زمینیکه دارای مساند و رگها و شکافهای بسیار است مانند اراضی رنگ راز و قتیکه باران میبارد آب از مسامات و شکافهای طبقه (ع - ع) فرو رفته به طبقه (ط - ط) نفوذ میکند چون این طبقه زمین کل لاسه و آب میتواند بگذرد - اندازه گنجایش بروی یکدیگر سوار شده سپس راه در روی برای خود پیدا میباید - اگر این زمین در برای گودال یا دره باشد که عمق آن ملاتر از طبقه (ط - ط) باشد - دیده خواهد شد که چشمه آب از دو جانب آن که (ف - ف) است جاری خواهد گردید - همین که آب در این گودال جمع شد رفته رفته راهی برای جریان خوب پیدا کرده تا بهر یا رودخانه یا سطحی خود را فرو ریزد و سر راه دریاچه

پرویز آورد

بخش بقیه تلکرافات

(۲۰ جادی آتانی - ۱۸ ستمبر)

خبر وحشت انگیزی درباره سلوک قشون عثمانی نسبت باغالی (قستوریا) در صوفیا پای تخت باغار رسیده میگویند تا سخنون قصبه مزبوره در اشتغال و اختراق دیده می شود

وزیر اعظم ایران استعفا داد

امپراطور آلمان به و یاه رسید

(۲۶ جادی آتانی - ۱۹ ستمبر)

خبر آنکلیسی مینویسند که دولت انگلیس عهده وزارت خارجه را به (لارد کرزن) خواهد داد
 آفوا است (لارد مائر) حاکم افرقای جنوبی بمده مستر چبراین وزیر مستعمرات و مستر آستین چبراین بمقام مستر ریچی مقرر خواهند شد

اخبار (استندرد) می نویسد (لارد بالنور برلی) وزیر اسکاتلند و مستر (آرثر ایلین) وزیر مالیه نیز مستعفی خواهند شد

درباره انعقاد مجلس شوری اخبارات انگلیسی اعتراض نموده اند که مجلسی منعقد نموده مردمان بر مغز را بجای لارد لندون و مستر برادریک مقرر نمایند

(کونت وان بیلو) با (کونت کولو جاوسکی) حلاق شده يك ساعت و نیم خلوت گفتگو نمودند

ترجمه از روزنامه دیلی نیوز

سبب استعفاي صدر اعظم ایران همان اغتشاش انداختن در بهان ایران و مخالفت با غالب درباریان بود - که چند روز قبل در اخبار خودمان اشاره نموده بودیم صدر اعظم دربار ایران را مهد تفاق ساخته - چندبست میان صدر اعظم و درباریان نیران تفاق شعله ورو تخم شقاق ضحاکشته شده است و در دربار دولت واقعات مضحک بروز میکند - از تلکرافات اخیر معلوم میشود که مجددا صدر اعظم بر رقبای خود غلبه یین و تقوی تام حاصل نموده مع ذلک مشاق و زحمات صدر اعظم

یش نمیشود - و آتی آسایش را بر خود نمی بیند خیالات مشرقی در ایرانیان روز بروز زیاد میشود و اهالی را بهوش می آورد - ورنه خبر استعفاي این صدر اعظم ایران را ما مرگر نگوش خود آشنا نمی یاقیم و هر وقت امری برخلاف او بروز می کرد قهر کرده چند روزی در دربار حاضر نمی شد اوضاع ایران خیلی تغییر خواهد کرد

ترجمه از روزنامه استیمن

مورخه شانزدهم - ستمبر ۱۹

موجب خبریکه از (پترسبرگ) روزنامه (کلون گزت) آلمانی رسیده انقلابات یاتیکی ابراروا که الحقی باید غم افزا گفت از تفاق و اختلاف صدر اعظم بادرباریان سلطنت خصوص با رجال ترك دربار بوده است

موجب خبر موفقیکه رسیده شاهنشاهزاده اعظم ملک منصور میرزای شعاع السلطنه که دوین مهال نیرومند سلطنت است متغیراً ازین وضع ناگوار دربار از طهران بهزم خروج از ایران حرکت نمود - این اختلاف و تفاق از جدیدست میان صدر اعظم و سایر درباریان پیدا شده بر بار اعضای دربار با اسمهای مختلف متفرق ساخت - چندی قبل مجلسی که برخلاف حرکات صدر اعظم است میشد و شاهنشاهزاده ملک منصور میرزای شعاع السلطنه نیز شامل بود کشف گردید - صدر اعظم با منتهای جهد از پادشاه خواستگار توهین این جماعت شد - از استماع این خبر شاهنشاهزاده متغیر شده از طهران بهزم حرکت از ایران بجانب قزوین رهسپار گردید - با وجود احکام ائیده حکومت قزوین نتوانست شاهزاده را عودت دهد طاقت از منجیل شاهزاده را عودت دادند و وزیر اعظم جمیع هواداران شاهزاده را طرد و تبید نمود

ترجمه از روزنامه نیوریمیا

اخبار (نیوریمیا)ی روس عنوان مفصلی در ماده سومالی لند و خیالات دولت انگلیس نوشته که خلاصه آن را ذیلا بیان میکنیم

دولت انگلیس را منداً اصلی این است - که در نصف مشرقی بر اعظم سلطنت بزرگی قائم نماید و فتح جنوب افریقا و عرب پیش خیمه همین اراده است - تا سلطنت خود را با سلطنت افریقا شامل ساخته سلطنت وسیعی در دنیا قائم نماید که نظیر آن را در هیچ عهد و تاریخ کسی ندیده باشد - برای پیش رفتن این مقصود مصر را تحت حمایت خود آورد - سودان را فتح نمود - بر روی کبار دست دراز ساخت - و بعد از قصه بر دو سلطنت جمهوری بوئر رابطه با برمال نیز پیدا کرده است

فعلاً هر دو دولت انگلیس این است که روختن کامل در حبش پیدا کرده باین مهانه که الان سومالی را سرکوی میکند خیالات مکتوبه خود را تکمیل نماید چنانچه در بعضی مساعیات پیش برده و بعضی باقی است -

دولت انگلیس برای حصول این مقصود خود زحمات فوق العاده را متحمل شده و میشود - چنانچه راجحی که در تراپسوال نام بخاطر احدی از مدیرین انگلستان حیاور کرده بود - هرگز تصور نه نمیکردند که تا این درجه دو چار رحمت شاقه خواهد رسید - ولی با این زحمات و صد حوش را حاصل نموده اینک در فکر (سومالی لاند) آمده چون کار آن نیز فراغت حاصل نماید در صد دفع بعضی از موانع دیگر که کوچک است برآمده آن سلطنتی را که مد نظر دارد قائم خواهد کرد

بک تیر و دو نشان

دولت انگلیس برای آبادی و آبادیهای مشرق افریقا - و سرپرستی از یهود اعلان داده که هرگاه یهودیان خواسته باشند در قرب راه آهن (یوگندا) در مصافقات (وکتوریت) زمین برای رراعت و آباد کردن - مفت باندازه بک میل بهر بک از آنها داده میشود - مساحت این اراضی با سطح دریا از (۵۵۰) الی (۹۰۰) فیت یا سیصد رراع ارضاع دارد و تبدیلی موسم هم میشود - حتی در زمین های که ارضاعش کم است سووت گرما بدرجه

بسیار که نتوان متحمل شد - در زمانی که (۵۰۰) فیت از سطح دریا مرتفع باشد اهالی اروپا میتوانند زندگی کرد - چنانچه در اروپا زندگی مینمایند - درین اراضی میوه جات و فواکه بسیار حاصل میشود - در بعضی قطعات بزرگ آن مواشی بکثرت پرورش میشود خصوصاً برای افزایش نسل گوسفند مناسب و خوب است در بعضی از نواح (وکتوریت) زمین بجانای داده نخواهد شد - بی (انکر) سالانه دو روپیه اجاره میتوانند کرد - فعلاً انتظام شده که شصت و چهار (انکر) زمین قابل رراع را اجاره دهند - آنهایکه کم مایه هستند و به میتوانند آن اراضی را اجاره کرده بک مشب حراج آن را به بردازند با اقساط و دفعات در هر صده ۱۶ سال میتوانند پرداخت در شرقی افریقا ممکن است به بارده روپیه صد (انکر) زمین بچنگ آورد - و زمین هسائیکه بجهت تربیت گورخر و شتر مرغ مفید است کثرت دست می آید - در (وکتوریت) بعضی رراع ها مثل درخت ربر - کتیرا - شتیر - قهوه - پنبه - تنباکو - و غیره مانند اروپا تکویم عمل می آید

تجارت تازه

چند سال قبل اهالی جزائر استرالی و ماسار از افراط حرکات شکات داشتند - حکومت باهار برای اعدام این حیوان یکصد و شصت هزار لیرا خرج نموده فائده به محشید - این جانور بزراع نقصان عظیم میرسد - جدیدت اهالی اسرلیا در صد تجارت آن برآمده باید بر آنچه نقصان دیده بودند فائده و منفعت حاصل نمودند - و در عرصه دو سه سال از تجارت این حیوان با صد هزار لیرا حاصل کرده اند - این فقط دخل بک صوبه (وکتوریا) است - از برکت تجارت این حیوان پنج هزار نفوس امر معاش خود را میگردانند - کم کم تجارت این جانور قسمی مستقل شده که کالسکهای راه آهن بر گشته از این مملکت بیرون می رود - و محل فروش این حیوان لندن

است حیوانیکه تا چند سال قبل مضر تصور میشد از روی علم حاصله معاش و منافع عمده اسان گردیده است - پلی - فائده علم زیاده بر این است که بتوان ذکر کرد

اختراع جدید

خبریکه از پست انگلستان رسیده (کتان گراسین) که درین ایام وارد لندن شده اختراع تازه نموده که بذریه آن اندان میتواند بر سطح آب مثل اینکه بزمین راه میرود حرکت نماید - این اختراع در سال (۱۸۹۸) آغار شده بود - و اهالی آلمان بدین ایجاد جدید فریفته شده بان ذریه پیاده از (هالی) الی (برلن) و (همبرگ) شق بحر میانند - موجد موصوف این ایجاد را به اهالی لندن خیال دارد نماید - میگویند بذریه این ایجاد تحقیق قطبین شمال و جنوب را سهولت پیدا خواهد شد و برای معلومات دیگر نیز این ایجاد را خیلی مفید تصور کرده اند

دائرالشوری انگلستان

در لندن روز دوشنبه مجلس شورای وزیرای انگلستان منعقد گردید - تمام وزرا غیر از (لاردهالبری) حاضر بودند - سه ساعت مجلس شورا قائم و بحث در پیش بود بر اصلاح گریک و تجارت محمود که (مستر جیرلین) رأی داده بود غور شده و نیز بر معاملات مقدونیا - رویداد کمبسیون جنگ هم زیر بحث آمده نتیجه معلوم نیست - در باره اصلاح گریک (مستر بلفور) رأی خود را ظاهراً نمود - اهالی منتظر شیوع آن هستند - بعد از ختم مجلس مستر بلفور - با وزیر جنگ مستر برادرک خلوت نمود نتیجه آن نیز غیر معکوشوف است - روز سه شنبه نیز انعقاد مجلس شده در معاملات اهم بحث نمود - در باره اصلاح گریک مذاکره عاتوی ماند تا بعد از انتخاب مجلس عام آنچه قرار یافت معمول شود - در ماده آزادی تجارت همه متفق شده ولی کسادی بازار جمله کارها را بند کرده است - این امر نیز منظور شده هر دو ات که بر خلاف تجارت دولت انگلیس می و اقدام نماید بر خلاف او حرکت

شود - عدم اتفاق رفع گردیده متفق شده اند - (لاردهالبری) کتانی در خصوص اصلاح گریک و آزادی تجارت شایع نموده است

دزدی زن و دایری مرده

بن راه آهن بمبئی و یوه واقعه عجیبی رخ نموده که قابل همه گونه توجه حکومت محابه و اداره پلیس راه آهن است

از یوه یکی از عورات باری در کالاسکه راه آهن سوار شده با او یکی از عورات عیسایی نیز سوار شد - زن فرنگی تا تک ایستگاه همراه فارسیه ملده پیاده و عقب کار خود رفت - محرد بانین رفتن او زن

بدهیولانی داخل کالاسکه و شروع به بند کردن در و دریچه های کالاسکه نمود - هر قدر زن فارسیه او را مانع

کرد فائده نه بخشید و گوش نداد - در حین حرکت قطار راه آهن از کیف خود جاقو و ریشمان و شش لوله بیرون آورده بهلوی خود گذاشته دست طرف

زن فارسیه دراز و شروع به تلاش وی کرده گشت اگر صدا بلند کردی از شش لوله کشته خواهی شد -

ضمیمه فارسیه از حروف ساک ماده آنچه تقدیمه در حیب داشت تسلیم نمود - سپس زن کلید صندوق او را یافته

شروع به جستجوی صندوق وی کرد - داخل صندوق (۲۳۰) رویه نوت بود اتفاقاً چشمش بر او نیافتاده

صندوق را بحالت خود گذاشته جسم صغیفه را بخمال زیور تلاش نموده - چون هیچ قسم زیور نیافت زن فارسیه

را انداخته هر دو دستش را گرفته خیال زجر و اذیت داشت که ایستگاه رسید آن زن با نهیای جرئت

پیاده شده راه خویش گرفت - زن فارسیه بعد از بهوش آمدن - مطالب را به پلیس اظهار داشت پلیس در

فحص میباشد تعجب این است که در اینگونه دایری نماید

دزدی بزرگان

در شهر مدراس دو نفر متمولین که آنها را بلقب

راحه یاد میشوندند به الزام دزدی گرفتار شده اند -

میگویند این دو نفر بر اهلان و ستر داری دزدان خانه کی

حبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

کلیه امور اداره

مدیر کل مؤید الاسلام است

منتظم اداره

آقا محمد جواد شیرازی است

پھر دوشنبہ طبع

و سه شنبه توزیع میشود

تاریخ دوشنبه

۶ رجب (۱۳۲۱)

مصادف

روزنامه مقدس



حبل المتین

سنہ ۱۳۱۱

قیمت اشتراک
(سالانہ - شش ماہہ)

بھند - و برہمہ
۱۲ روپہ - ۷ روپہ

ایران - و افغانستان
(۵۰ فران - ۳۰ فران)

عمان - و مصر
(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

اروپا - و چین
(۳۰ فرنک - ۱۷ فرنک)

روس و ترکیہ
(۱۰ منات - ۶ منات)

قل از دربار نمودن قرض اداره

۲۸ ستمبر ۱۹۰۳ میلادی (خریداران باید قیمت احدی را باحدی تسلیم نمایند) (۱۰ منات - ۶ منات)

در این خریدہ از ہر گونہ علوم و وقایع سیاسی و مافع دوائی و فوائد طبی بحث میشود
مراسلات عام المصنفہ منبول و در انتشارش ادارہ آزادست

فہرست مندوجات

- مسافرت حکومت ہند در خلیج فارس
- نگرافات اخبارات خارجہ ملاحظہ رورنامہ ایران
- مکتوب یکی از وطن پرستان مکتوب ر طهران
- لسان الصدق مکتوب از نادکوبہ نگارش یکی از خردمندان
- شہد ارشرح پاتیک آقا میرزا علی اصغر خان صدر اعظم
- ترجمہ از رورنامہ استیٹس ترجمہ از رورنامہ توپوریجیای روس
- حبل المتین

مسافرت حکومت ہند و خلیج فارس

حبر رسمی است کہ فرما فرمای ہند لارڈ کرن در او احر سال روان اسیر و تماشا و نگرانی معاملات سیاسی و تجارتی بحال خلیج فارس روانہ خواہد شد

مسافرت لارڈ کرن فرما فرمای ہند در خلیج فارس چین قرار یافته کہ اوائل نومبر از شملہ حرکت کردہ اطرت (پتالہ) و (ناہا) و (جمہد) را ملاحظہ نمودہ از آنجا بہ (ہاولپور) رقتہ بواب (ہاولپور) را بمسند نشانده پس از فراغ روانہ بحال کراچی خواہند گردید۔ امیر البحر (ایٹ اندین اسکوادرن)

را در آنجا ملاقی شدہ و اسدوی از احزای ادارہ بحری را ہمراہ گرفتہ در حمار (ہاردیح) سوار و بہ مسقط و سواحل خلیج فارس رہسپار خواہد گردید۔ و بعضی جاہای دیدنی را ملاحظہ کردہ اور مہمہ تجارت و سیاست ہند را بیکوہ مد نظر خواہد گرفت و بعضی از شیوخ عرب را کہ در سواحل خلیج فارس تحت حمایت انگلیس میباشند ملاقات خواہد نمود و در حاجت فارس (سر آرتھر ردیج) کہ سیر دولت انگلیس در دربار ایران است ملاقات فرما فرمای ہند را خواہد نمود و ہمیت او بہ ہستہ در آسواحل خواہد کشد رورنامہ (طمس) لندن میبوسد کہ مسافرت لارڈ کرن) در خلیج فارس نتیجہ نطقی است کہ لارڈ لندون) وزیر خارجہ دولت انگلیس ششم شہر (می) در دارالشوری داد۔ و بجز رورنامہ مزبور مصلحت نگار معاملات سیاسی کہ مشورہ (لارڈ کرن) و سفیر انگلیس در آن نواح بحث و طی خواہد شد۔ شک سبب مسافرت دوسر از رجال بزرگ دولت انگلیس در خلیج فارس تا کمال جلال و تزی اثر